

## ویژه‌نامه واقعه ننگین ۲۱ اسفند در رودسر

### سرکوب و هتک حرمت جامعه فرهنگی گیلان و ایران!

### ما ترس به خود راه نمی‌دهیم؛ چرا که ما را هراسی از شمایان نیست!

### امیرجوهری لنگرودی

در هفته ماقبل آخر سال ۱۴۰۰ روز شنبه ۲۱ اسفند ماه، نمای دیگری از تجاوز به حقوق زنان و مردان شرافتمند معلم شاغل و فرهنگیان بازنشسته را در گوشه دیگری از جغرافیای پهناور ایران در شهرستان کوچک رودسر استان گیلان شاهد بودیم. پیشتر نیز نمونه چنین تجمعات اعتراضی را در احضار فعالان استان فارس آقایان فتح‌الله غلامی و محمد عالیثوندی از اعضا هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس به دادگاه فرآشبد، شاهد بودیم. ایضاً در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۴۰۰ جمع قابل توجهی از فرهنگیان سراسر استان خوزستان جهت همراهی اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان، علی کروشآت، فرنگیس نسیم‌پور، پیروز نامی، به همراه پلاکاردها و حمل وسایل شخصی به نوعی همبستگی خود را به نیروهای امنیتی نشان دادند که ما تا آخرین لحظه دوستان و یاران خود را تنها نخواهیم گذاشت و در این راه آماده زندان رفتن هستیم.

اما واقعه یا رویداد ننگین سرکوب معلمان در شهر رودسر را باید نقطه جوشش و عطفی در حافظه این دوره طولانی مدت مبارزه نابرابر فرهنگیان بین قلم و سلاح، گرز و چماق، در خیابان و کوچه پس کوچه‌های این شهر ثبت نمود.

رامین صفرنیا، وکیل دادگستری... ۲۴۰۰  
اولین جلسه رسیدگی به اتهامات موکل  
#عزیز\_قاسم\_زاده در روز شنبه  
1400/12/21 در دادگاه رودسر برگزار  
می‌گردد. بنده و موکل جهت ارائه  
دفاعیات در شعبه رسیدگی کننده حاضر  
می‌شویم.



مبارزه نابرابر روز شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ در شهر رودسر دو سویه داشت:

سویه اول آن در توثیق آقای رامین صفرنیا، وکیل دادگستری که نوشت: «اولین جلسه رسیدگی به اتهامات موکل عزیز قاسم‌زاده در روز شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ در دادگاه رودسر برگزار می‌گردد. بنده و موکل جهت ارائه دفاعیات در شعبه رسیدگی کننده حاضر می‌شویم.» دید که در پی آن، کانون صنفی فرهنگیان استان گیلان ضمن دعوت از همکاران برای تجمع حمایت از عزیز قاسم‌زاده در برابر آموزش و پرورش رودسر، خواهان تبرئه این کنشگر صنفی شد. \*  
و این فراخوان حضور فرهنگیان از جای جای گیلان (انزلی، رشت، لاهیجان، لنگرود و...) که خود را با قلمی در جیب و روزنامه و ایضاً کتابی در دست، در آن روز به شهر رودسر

رساندند تا در حمایت از چهره خوشنام فرهنگی گیلان آقای عزیز قاسمزاده، معلم آگاه و سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان، در کنار او باشند و به این احضار و محاکمه‌اش اعتراض نمایند، را به دنبال داشت.

سویه دوم آن، نا کارآمدی رئیس آموزش و پرورش، آپارات دستگاه دادناگستر رودسر برابر هجمه وسیع همه ارادل و اوباش یگان ویژه، لباس شخصی و مخملی، بسیجی و حزب اللهی است - که یاد آور شکار دهه شصت هم نسلان ما در کوچه و پس کوچه‌های شهرهای شمال بود - بار دیگر در این روز و در این شهر که به‌سان قم گیلان، ساکت و صامت شاهد سرکوب فرهنگیان و در خدمت حضرات بود.

حادثه تلخ روز شنبه ۲۱ اسفند، اینگونه آغاز شد که صبح امروز در حالی که عزیز قاسمزاده به همراه خانواده خود راهی دادگاه بود، نیروهای امنیتی با اعمال خشونت مانع همراهی اعضای خانواده شده گوشی و تلفن برادر آقای قاسمزاده را ضبط نمودند و یکی از بستگان وی توسط نیروی انتظامی بازداشت شد. تازه این تهاجم همه کار نبود. در دو سمت ساختمان آموزش پرورش و دادگستری نیروی سرکوب در شکار جان آدم‌ها بودند، نیروی انتظامی با اعلام و به بهانه رزمایش، اطراف اداره آموزش و پرورش رودسر را به محاصره در آورد؛ اما معلمان با وجود جو پلیسی بر برگزاری تجمع حمایتی از قاسمزاده تأکید کردند. این پیشروی به یورش نیروهای امنیتی به معلمان در روز روشن و مقابل چشم مردم در خیابان‌های شهر منتهی شد و گروهی از فعالان شناخته شده از جمله: محمود بهشتی لنگرودی، محمود صدیقی‌پور، حسن نظریان و مسعود فرهیخته با ضرب و شتم و توهین بازداشت شدند! اما مقامات محلی از فرماندار، رئیس آموزش و پرورش و رئیس دادگستری در وحشت از حضور فرهنگیان، تمام شهر را قفل کرده و به حالت نظامی و آماده باش در آوردند، اداره آموزش و پرورش را بستند، محل دادگستری را که باید محلی برای دادخواهی آقای عزیز قاسمزاده باشد، تعطیل کردند. به عبارتی مسئولین شهری که خود باید حافظ قانونی اداره شهر باشند، با اقدامات غیرقانونی به اصطلاح آتش به اختیار، شهری را در هم ریخته شهر و باعث اخلال در نظم و آسایش عمومی شدند.

نقطه قوت و عطف تجمع حمایتی شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ رودسر، حضور زنان معلم شاغل و زنان بازنشسته در خیابان بود که علی‌رغم توهین و ضرب و شتم شدید فاطمی کماندوهای بسیجی بسان سدی محکم و مستحکم در برابر نیروهای سرکوب و معلمان مورد تهاجم، برای رهایی آنها، پابرجا ایستادند. و جنبش میدانی توامانی را با قدرتمندی هرچه تمام‌تر در همگامی با شعار: «معلم زندانی، آزاد باید گردد» به نمایش گذاشتند، حاصل تلاش امروز زنان و ایستادگی آنان در خیابان موجب شد معلمان بازداشتی در رودسر بدون دادن تعهد و سپردن وثیقه همان شنبه شب آزاد شوند.

**معلمانی که در رودسر دستگیر شدند و بعد آزاد شدند!**



محمود بهشتی‌لنگرودی، محمود صدیقی‌پور، حسن نظریان، امیرحسین آقاجان‌پور، بهرام بخشی‌پور، مسعود فرهیخته

### آمران و عاملان سرکوب معلمان در رودسر را بشناسیم

محمدرضا شهاب زاده که اخیراً به سرپرستی فرمانداری شهرستان رودسر منصوب شده، با تحریک سید جلال الدین جوانمردی، فرمانده نیروی انتظامی و رئیس اداره اطلاعات در شورای تأمین شهرستان رودسر دستور برخورد فیزیکی با فرهنگیان را صادر کرده است. عاملان این دستور مزدوران موسوم به بسیجی تحت فرماندهی فرمانده سپاه رودسر، محمداسماعیل حسنی بودند.

شهاب زاده، حسنی، تقی روحانی امام جمعه، جوانمردی، دادستان و دیگر اعضای شورای تأمین شهرستان رودسر، از مسئولین واقعه شرم آور و ننگین شنبه ۲۱ اسفند این شهر هستند.



در شرایطی بهار سال ۱۴۰۱ را آغاز کردیم که در سال گذشته، بیشتر از سه میلیون کودک از دسترسی به برنامه شاد محروم بودند و آمارهای رسمی حکایت ناخوشایندی از ترک تحصیل ۲۱۰/۰۰۰ دانش آموز در مقطع ابتدایی و ۷۶۰/۰۰۰ دانش آموز در مقطع متوسطه دارد؛ هرچند که اعتمادی به این آمار رسمی نیست و تعداد واقعی "رانده شدگان از تحصیل" بسیار

بیشتر از این تعداد است، همین آمار نیز خبر از بحرانی عمیق و فاجعه‌ای عظیم در درون جامعه ایران می‌دهد. بحرانی که محصول سیاست‌های غلط و مغشوش حاکمیتی و همچنین توزیع نابرابر ثروت در جامعه است. سیاست‌هایی که فاصله طبقاتی را به گسل‌های اجتماعی تبدیل کرده و فاصله پایین‌ترین حقوق با بالاترین حقوق یا به عبارتی تفاوت بین حداکثر و حداقل حقوق در ایران نزدیک ۸۰ برابر است و عملاً با کالایی کردن نظام آموزشی، جامعه به اقلیتی فرادست و اکثریتی فرودست تبدیل شده و ناامنی شغلی و قضایی در کشور به وجود آورده که نتیجه عینی آن بزهکاری‌های فزاینده و انواع جرم و جنایت و پرونده‌های خارج از شماره در دادگاه‌هاست. وضعیت به جایی رسیده که پلیس انتظامی و نیروهای امنیتی اعلام کردند: شهروندان در برابر زورگیران مقاومت نکنند تا صدمه نبینند.

اگر بخواهیم نگاه عمومی به پیکره حرکات معلمان طی چند ماه سال ۱۴۰۰ را مد نظر قرار بدهیم. باید گفت:

۱- از شروع سال تحصیلی جدید تا اسفندماه فرهنگیان با برگزاری بیش از یازده تحصن و تجمع در مدارس و خیابان‌های قریب به ۲۰۰ شهر، برگ چشمگیری از مطالبه‌گری بر تارک تاریخ جنبش مطالباتی معلمان افزودند. فرهنگیان با تجمعات خیابانی و در مقابل ادارات آموزش و پرورش، سبب عادی سازی خیابان برای پیگیری مطالبات شدند. تجمعات سراسری خیابانی فرهنگیان که نقطه اوج آنها در سیصد نقطه کشور، تعالی حرکت فرهنگیان کشور را در صف مستقل آنان نشان داد.

۲- حضور زنان معلم و هزینه دادن آن‌ها (بازداشت و زندان) در کنار معلمان مرد، از ویژگی‌های این جنبش مطالباتی - صنفی بود. در برخی از شهرها حضور دانش آموزان و والدین آنان و بخشی از مردم دغدغه‌مند نیز به چشم می‌خورد.

۳- در این دوره تحرکات میدانی فرهنگیان در پشتیبانی سراسری از معلمان زندانی و حضور مستمر در سراسر کشور برای حمایت از معلمان زندانی و طرح شعار: «جای معلم زندان نیست» برجستگی خاصی به تحرکات معلمان بخشید!

۴- در این دوره حضور فرهنگیان بازنشسته در تمامی تحرکات خیابانی، دیده می‌شد.

۵- گسترش فعالیت شبکه‌ای (با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی) برای هماهنگی در سطح وسیع شهرستان‌ها و ایجاد کانال‌های گوناگون برای امر خیررسانی و تقویت ارتباطات در این دوره بیش از پیش شد!

۶- نکته مرکزی تمامیت این دوره تحرکات فرهنگیان سراسر کشور، افزایش سرکوب و صدور احکام سنگین قضایی علیه فعالان صنفی معلمان است که فشار سنگینی بر روی فعالین فرهنگی وارد آورده است. بالغ بر یک هزار معلم را در گوشه و کنار ایران احضار و بازجویی و تهدید کردند. و گفته شده تا به امروز از جانب نیروهای امنیتی، بیش از پنجاه هزار پیام تهدیدآمیز در سراسر ایران برای معلمان ارسال شده تا دست از اعتصاب و اعتراض بردارند؛ اما معلمان همچنان خواهان حقوق خود، دانش آموزان و جامعه هستند.

۷- موجودیت بخشی به سیالیت تشکیلات و کانون‌های صنفی و استقلال عمل آنها در شهرهای خود.

۸- تشکیل «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» که تشکل‌های صنفی فرهنگیان کشور را نمایندگی می‌کند.

۹- سازماندهی و تدارک کانال تلگرامی «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» به عنوان رسانه و تریبون فرهنگیان که طی مدت کوتاهی به بیش از ۲۴۶۰۰ عضو دست یافته است.

۱۰- طرح و تصمیم‌گیری و عملکرد کاملاً دموکراتیک و افقی در شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، از نقاط مهم این تشکیلات است که می‌تواند دخالتگری نیروی بدنه را قدرتمندتر از گذشته امکان‌پذیر کند. پای فشاری بر استقلال عمل تشکل و کانون‌های صنفی از احزاب و سازمان‌ها و گرایش‌های سیاسی - جناحی، و تجربه دموکراتیک جنبش فرهنگیان می‌تواند نمونه و الگوی خوبی برای دیگر لایه‌های طبقه کارگر باشد.

۱۱- تدارک کلاب‌های فرهنگیان برای اطلاع‌رسانی طی هفته در سه شب به شکل متوالی، بار دیگر امر دخالتگری فرهنگیان و طرح نظرات و پیشنهادات آنان را نشان می‌دهد که در دوره اخیر، امکانی برای انتقال تجربیات فعالان مدافع جنبش فرهنگیان خارج از کشور را نیز در استمرار بحث‌ها امکان‌پذیر ساخته است.

۱۲- حادثه شرم‌آور ۲۱ اسفند رودسر، نقطه عطفی در شمال ایران و ای بسا در کشور شد و باید به عنوان یک تجربه موفق، مصداق عمل میدانی فرهنگیان در جای جای کشور، برای دوره پیش‌روی و مشخصاً برای احضار آقایان رسول بدایق و حمید قندی در پانزدهم فروردین جاری، جا دارد شورای هماهنگی و کانون‌های صنفی تهران و اسلام شهر از امروز تدارک ببینند تا در برابر شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، حضور جمعی را سازمان دهند تا این جماعت اشکبوس بفهمند و جرأت نکنند در اطاق اشباح خود بنشینند و معلمان ترقی‌خواه را فرا بخوانند!

۱۳- در سال ۱۴۰۰ شاهد هزینه دادن چهره‌های شناخته شده فرهنگیان و همچنین حمایت‌های بین‌المللی از معلمان زندانی و جنبش اعتراضی فرهنگیان بودیم. و اساسی‌ترین اولویت خواسته فرهنگیان در سال آینده باید؛ پایان بخشیدن به احضارها و آزادی بی قید و شرط همه معلمان زندانی باشد!

چهره‌های شناخته شده فرهنگیان را می‌توان چنین برشمرد:

استان خراسان شمالی:

علی فروتن، سعید حق‌پرست، مصطفی رباطی، حسن جوهری، حمیدرضا رجایی (هریک ۱۲ میلیون تومان جریمه بدل از حبس)

محمدرضا رمضانزاده (چهار سال حبس، در حال گذران حکم بعد از ۱۴ ماه حبس تحت مراقبت الکترونیک در استان)

یعقوب یزدانی (۲ سال حبس، هم اکنون در حال گذران حبس، بندباز)

حسین رمضانپور (شش ماه حبس و پرونده باز دیگر، در حال گذران حبس)

معلمان زندانی در دیگر استان‌ها:

اسماعیل عبدی (زندانی)

محمدتقی فلاحی (زندانی)

لطیف روزیخواه (زندانی)

و...و

معلمان دارای پرونده یا منتظر حکم:

جعفر ابراهیمی، تهران

عزیز قاسمزاده، رودسر

مهدی فتحی، پاسارگاد

شعبان محمدی و اسکندر لطفی، مریوان

اصغر امیرزادگان، فارس

اسماعیل فرهنگمنش و مریم زیرک، قزوین

سارا سیاهپور و شبنم بهارفر و رادا مردانی، البرز

سعید حق پرست، بجنورد

معلمان خوزستان، هشت نفر

معلمانی از فارس

معلمانی از اصفهان

معلمانی از سقز

و باید یاد معلمانی که با استقامت خویش زندانیان را شرمند کرده‌اند:

رسول بدایعی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، محمود باقری، مختار اسدی، هاشم خواستار، محمدحسین سپهری، محمد داوری، حمید رحمتی، علیرضا هاشمی و...

در حالی سال ۱۴۰۰ به پایان می‌رسانیم و وارد سال ۱۴۰۱ می‌شویم که حاکمیت به یکسال مطالبه‌گری مستمر و مبارزه سراسری فرهنگیان شاغل و بازنشسته، کمترین توجهی ننموده است. بازنشستگان نیز مانند معلمان شاغل، آنها به عنوان چهره‌های شریف و حق طلب، سال‌هاست که باتمام وجود از همه راه‌های ممکن فریاد زده‌اند که این سطح حقوق در برابر هزینه‌های سرسام آور زندگی (به اصطلاح هزینه به دلار) کفاف زندگی را نمی‌دهد. چهره‌هایی که جان و زندگی خود را برای بهروزی و تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین گذاشته‌اند، اما به جای پاسخ گرفتن و تکریم و حرمت و آسودگی خاطر در دوران بازنشستگی در کنار خانواده و نوادگان خویش و داشتن یک زندگی شرافتمندانه، همچنان درجا مانده‌اند. قانون همسان‌سازی به محاق رفته و هیچکس هم پاسخگوی این زحمتکشانشان، نیست؛ احساس مسئولیت نمی‌کنند.

امروز بعد از یک سال مبارزه پیگیر و مستمر، آنها در ابعاد سراسری و کشوری، علیرغم پرداخت هزینه‌های گزاف، دیگر مشخص شده مادامی‌که دیگر مطالبات آنها لحاظ نشود، لایحه رتبه‌بندی شاغلان، به تنهایی هیچ تغییری در زندگی و معیشت معلمان ایجاد نخواهد کرد. دولت اسلامی نشان داد که حاضر نیست دوازده و نیم میلیارد تومان بودجه رتبه‌بندی سال ۱۴۰۰ را تأمین کند، بلکه آخرین موضع‌گیری‌های رسمی هم نشان داد که وعده اجرای رتبه‌بندی در سال ۱۴۰۱ هم سراب و فریبی بیش نیست!

با مسئولیت می‌نویسم: دولت اسلامی تا همین جای کار نشان داد نه تنها به فکر بازنشستگان شاغلان فرهنگی نیست، بلکه قصد دارد به مانند تهی کردن صندوق تامین اجتماعی کارگران از دره احمدی نژاد به این سو، سهم مالکانه فرهنگیان در صندوق ذخیره فرهنگیان را نیز غارت کند. بر کسی پوشیده نیست که صندوق یاد شده تا دیروز تحت تأثیر منافع جناحی دولت حسن روحانی مورد دستبرد بود و امروز به گستردگی بیشتری به محل رانت خواری دولت ابراهیم رئیسی تبدیل شده است و هزینه‌اش را باز باید خود معلمان بپردازند.

ذکر دو نکته هم در مجموعه کاستی‌های سال گذشته لازم است:

یک: افزایش کودکان رانده شده از تحصیل یا برون شده از مدرسه و پیوستن ناگزیر آنان به کودکان کار و خیابان و نادیده گرفتن حق تحصیل رایگان آنان - که در اغلب تظاهرات خیابانی این دوره جای ویژه‌ای داشته است. آموزش رایگان برای تمام کودکان ایران.

دو: کالایی کردن و به بخش خصوصی سپردن آموزش، تنها محدود به محیط فرهنگیان نبود، بلکه سیاست خانه خراب کن و تخریبی خصوصی سازی همان ضرر و زیانی را که در سطح جنبش کارگری به عنوان نطقه ویرانگر چرخه تولید وارد آورده، با پولی سازی آموزش، باعث ایجاد تبعیض آموزشی شده و خانواده وسیع و میلیونی فرزندان کارگران و اقشار میانی را از ادامه تحصیل و ادامه این روند نظام آموزشی را بدل به کالای تجاری، واسطه‌ایی و پولی کرده با طبقاتی کردن آموزش، مدارس انتقاعی و پول ساز را گسترده‌تر نموده و همه پرسنل آنرا از حلقه مبارزه صنفی و مطالباتی فرهنگیان به دلیل وابستگی‌شان به نظام پولی آموزش، باز می‌دارد.

این پرسش اکنون در برابر ماست: چگونه آموزش رایگان و عادلانه و با کیفیت را به یک مطالبه عمومی و اجتماعی تبدیل کنیم؟ پاسخ به این پرسش با در نظر گرفتن ذینفعان آموزش رایگان می‌تواند به همگرایی و مشارکت جنبش‌های اجتماعی - اعتراضی در خیابان‌ها و ارتقای سطح مطالبات بی‌انجامد.

در چنین وضعیتی به سال ۱۴۰۱ ورود می‌کنیم و جامعه ایران علل العموم برآیند تا دریابند که نقشه عمل و راهنمای معلمان چه باید باشد تا روند گذشته با قدرت هر چه بیشتر دنبال گردد...

در پیام نوروزی فرهنگیان به صراحت راهکارهای لازم بیان شده است: معلمین و همکاران متشکل در کانون‌های صنفی معلمان ایران، باید بیش از پیش به تقویت امر همگرایی با دیگر جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی پرداخته و مشوق همراهی و عضویت در شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان شوند!

لازم می‌نماید در سال جدید، فرهنگیان سراسر کشور برای بالا بردن ضریب اطلاعات و داده‌های خبری خویش و همراهی فعال‌تر با دیگر همکاران، عضو کانون‌ها شوند و کانون یاد شده را به دانش‌آموزان، اولیا و همکاران معرفی و این امر باید به مثابه وظیفه خبری هر معلمی تلقی گردد.

بیابیم هر آنچه متحدتر از گذشته، در آستانه اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگر، با تشویق کانون‌های صنفی برای برگزیدن نمایندگان خود برای معرفی و عضویت در شورای هماهنگی فرهنگیان ایران، عموم تشکل‌های فرهنگی مستقل را در امر همراه شدن با دیگر جنبش‌های اجتماعی و با اعتراضات و اعتصابات، برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو احکام آن‌ها و جلوگیری از تهدید و بازداشت‌های خودسرانه و نیز برای ریشه کن کردن تبعیض و نابرابری و رسیدن به مطالبات برحقمان را در دستور کار مقدم خود جای دهیم.

درسال جدید برای فرهنگیان کشور گزینه میدانی ، قدرتمند ترین گزینه برای فرهنگیان در راستای دست یابی خواست ها و دیده شدن در برابرچشمان جامعه است .

## منابع :

### اطلاعیه مهم

### فرهنگیان شریف استان گیلان!

با توجه به درخواست های مکرر شما عزیزان مبنی بر حمایت و همراهی آقای عزیز قاسمزاده برای شرکت در دادگاه اعلام می گردد:  
تجمع حمایتی از ایشان در ساعت ۹ صبح روز شنبه ، ۲۱ اسفند ، در مکان اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر برگزار خواهد شد.  
کانون صنفی فرهنگیان استان گیلان ضمن دعوت از همکاران برای شرکت در این تجمع، خواهان تیرئه این کنشگر صنفی است.  
کانون صنفی فرهنگیان استان گیلان

۱۹ اسفند ۱۴۰۰

مکان تجمع : رودسر، ابتدای خیابان شهدا ، اداره آموزش و پرورش  
تاریخ : شنبه، ۲۱ اسفند ، ساعت ۹

### گزارش شماره یک

امروز صبح در حالی که عزیز قاسمزاده به همراه خانواده خود راهی دادگاه بود. نیروهای امنیتی با هتک حرمت خانواده و خشونت مانع همراهی اعضای خانواده شده، با مادر بزرگوار با خشونت برخورد شده و ایشان را هل داده و بر زمین زده اند. گوشی و تلفن برادر آقای قاسمزاده را ضبط نمودند و یکی از بستگان وی به نام امیرحسین آقاجان پور توسط نیروی انتظامی بازداشت شده است.

همچنین نیروی انتظامی با اعلام و به بهانه رزمایش اطراف اداره آموزش و پرورش رودسر را به محاصره در آورده اند اما وجود جو پلیسی معلمان بر برگزاری تجمع حمایتی از آقای قاسمزاده تاکید دارند.

سرکوب خشونت آمیز تجمع معلمان در رودسر

### گزارش شماره دو

پس از شکل گیری هسته اولیه تجمع معلمان در رودسر، پلیس با خشونت اقدام به پراکنده نمودن معلمان نموده، خودروهای حامل معلمان از سایر شهرها را متوقف نموده و افراد را ضرب و شتم کرده اند.

بنا بر اطلاع نیروهای امنیتی و لباس شخصی محمود بهشتی لنگرودی ، محمود صدیقی پور، حسن نظریان و مسعود فرهیخته، بهرام بخشی پور را به همراه چند نفر دیگر دستگیر نموده و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند.



## گزارش شماره سه

امروز نیروهای امنیتی مینی‌بوس حامل معلمان بندرانزلی، که قصد شرکت در تجمع حمایتی از آقای قاسمزاده داشتند، را ابتدا به یک خیابان محل استقرار سپاه منتقل نمودند و هنگامی که معلمان از ماشین پیاده شدند با توهین و فحاشی ماموران روبرو شده و توسط نیروهای یگان ویژه که سر و صورت خود را پوشانده بودند به صورت وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند به طوری که متأسفانه دو نفر از معلمان زن با توجه به آسیب دیدگی راهی بیمارستان شده و وضعیت خوبی ندارند.

لازم به ذکر است تا زمان تهیه این خبر افراد بازداشت شده به نام های **امیرحسین آقاجان، محمود صدیقی‌پور، حسن نظریان، مسعود فرهیخته و محمود بهشتی لنگرودی، بهرام بخشی‌پور** هنوز در بازداشت هستند.

---

## تعطیلی دادگستری رودسر و حالت نظامی شهر رودسر، به دنبال برگزاری دادگاه عزیز قاسمزاده

### گزارش شماره چهار

شرایط شهر رودسر امروز از ساعت ۷ صبح بسیار امنیتی بود و میدان منتهی به دادگستری از افراد نظامی با ماشین های انتظامی حضور داشتند دادگاه رودسر به حالت تعطیل در آمده بود و به هیچ کسی اجازه ورود نمی دادند. ماموران نیروی انتظامی به صورت چند لایه در جلوی دادگاه حضور داشتند، همچنین نیروهای یگان ویژه با صورت پوشیده در دو طرف بلوار مستقر بودند و رعب و وحشت ایجاد می کردند و با دیدن هر رهگذری که گوشی همراه داشت، موبایل او را ضبط می کردند. عزیز قاسم زاده و رامین صفر نیا (وکیل) با این جو امنیتی به همراه چند مامور وارد محوطه دادگستری شدند که آقای عزیز قاسم زاده با اعتراض شدید به فضای امنیتی حاضر گفت: برای محاکمه یک معلم تمام شهر و دادگاه را تعطیل کردید که این موضوع موجب هجوم ماموران به ایشان گردید و قاسم زاده در حالی که با اعتراض می گفت: نمی توانید با جو امنیتی و ارباب صدای معلم را خاموش کنید و ما را هراسی از شما نیست، او و رامین صفر نیا را با فشار زیاد به همراه چند مامور به شعبه رسیدگی بردند که در آن محل نیز ماموران زیادی مستقر شده بودند. مشخص نیست محاکمه یک معلم چه خطری برای شهر رودسر دارد که تمام شهر امروز به حالت نظامی در آمده بود. شایان ذکر است پس از اینکه جلسه آغاز شد، فضای رسیدگی به پرونده در داخل شعبه مناسب بوده و روند رسیدگی به لحاظ شکلی قانونی برگزار گردید و حتی قاضی شعبه با سعه صدر به وکیل فرصت هفت روز جهت ارائه لایحه ابلاغ کرد که با فضای رعب و وحشت بیرون تفاوت داشته، آقای قاسمزاده اتهامات منتسب را رد و آقای صفرنیا از موکل خود دفاع نمودند. هنگام خروج از دادگاه مردم همچنان پشت درهای دادگستری بودند که آقای قاسمزاده ضمن حضور در جمع مردم از آنان به خاطر فضایی که ایجاد کرده بودند عذرخواهی نمود.

---

## گزارشی از واقعه (سرکوب معلمان) شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ در رودسر محمود صدیقی‌پور

در پی ابلاغیه دادگاه انقلاب رودسر مبنی بر محاکمه آقای عزیز قاسم زاده عضو هیئت مدیره و سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان در روز شنبه ۲۱ اسفند، برای حمایت از این کنشگر صنفی تیم مذاکره کننده ای اقدام به رایزنی و مذاکره با مسئولین استان قبل از برگزاری

دادگاه نمود. که در این مقاله گزارشی از روند مذاکره تا سرکوب تجمع کنندگان به استحضار می‌رسد:

### چهارشنبه ۱۸ اسفند

در این روز از ساعت ۸ الی ۹ صبح تیم مذاکره کننده ابتدا با مدیر کل آپ گیلان دیدار نمود. در این دیدار، تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور و در راس آن شورای هماهنگی از آقای عزیز قاسم زاده اعلام حمایت نموده و هشدارهای لازم را پیرامون تبعات برخورد با او را اعلام نمودند.

-ساعت ۱۱ تیم مذاکره کننده با معاون سیاسی فرماندار رودسر در غیاب فرماندار، گفتگو کرد. فرماندار رودسر به بهانه های مختلف از زیر بار مذاکره شانه خالی کرد.

### پنجشنبه ۱۹ اسفند

تیم مذاکره کننده در دادگستری رودسر در ساعت ۱۰ صبح با توجه به وقت قبلی ملاقات با دادستان، او از پذیرش تیم مذاکره کننده سرباز زد و دستور اخراج مهمانان را داد و پس از بحث و مذاکره طولانی با نیروی انتظامی، دادستان پذیرفت با یک نفر به گفتگو بنشینند. لذا یک نفر به نمایندگی از جمع انتخاب شد که طی دو ساعت مذاکره با دادستان هشدارها و دغدغه های کنشگران صنفی مبنی بر اینکه محاکمه یک فعال صنفی و به دنبال آن زندانی کردن یک معلم مطالبه گر و خیر خواه به مسائل آموزشی و جاهت قانونی ندارد و دارای تبعات است.

-به موازات این مذاکره سه نفر از فعالین صنفی رودسر به پلیس امنیت فراخوانده شدند و در مورد حمایت عده ای از کنشگران در همراهی و حمایت از آقای عزیز قاسم زاده در جلو دادگاه، به طور روشن پیام دادستان را در مضرات این همراهی و اثرات منفی آن در صدور حکم قاضی و حساسیتهای مقامات قضایی را دریافت نمودند. ماموران پلیس امنیت تاکید داشتند تجمع جلو دادگاه غیر قانونی است و اداره آموزش و پرورش را برای تجمع حمایتی انتخاب کنید.

در راستای تهدیدات و حساسیت دادستان از یک طرف و فراخوان خودجوش عده ای از فعالان صنفی، مبنی بر تجمع حمایتی در جلو دادگاه، کانون صنفی فرهنگیان گیلان برای جلوگیری از هرگونه تشنج و درگیری با ابتکار عمل و برای نشان دادن حسن نیت به مسئولین قضایی و بهتر شدن فضای دادگاه، طی اطلاعیه ای محل تجمع را از جلو دادگاه به محوطه اداره آموزش و پرورش رودسر تغییر داد و از شرکت کنندگان خواست همچون گذشته، در یک محیط آرام و منطقی صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین برسانند.

### جمعه ۲۰ اسفند

برنامه ای برای تجمع روز شنبه از ساعت ۹ الی ۱۱ تدوین و مجری و سخنرانان انتخاب و تدارکات لازم پی ریزی شد. تیم مذاکره کننده نیز شهر رودسر را ترک کرد.

آخر وقت روز جمعه یک گروه تلگرامی به نام "گروه شهروندی" اطلاعیه ای از طرف نیروی انتظامی انتشار داد و اعلام نمود روز شنبه برای پیشگیری از اتفاقات چهارشنبه سوری، مانوری از ساعت ۸ از میدان طالقانی (سپاه) تا دریا انجام خواهد داد.

شنبه ۲۱ اسفند

-ساعت ۸ صبح دونفر از فعال ...

## گفتار عزیز قاسم زاده رودسری :

عزیز قاسم زاده در این ویدئو با اشاره به محاکمه خود در ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ به اتهام تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب می گوید: دیروز برای محاکمه یک معلم میادین شهر را پر از نیروهای امنیتی و انتظامی کردند و شهر را به حالت حکومت نظامی در آوردند و دو نهاد دادگستری و آموزش و پرورش را تعطیل کردند. او می گوید: باید در وهله اول دادستان این شهر و سپس فرمانده نیروی انتظامی و رئیس آموزش پرورش از سوی زعمای امور به اتهام تبلیغ گسترده علیه نظام به خاطر به وجود آوردن شرایط دیروز محاکمه شوند. او تصریح می کند معلمان در اعتراض به تعطیلی قانون اساسی و اصل ۳۰ خواهان عدالت آموزشی هستند. قاسم زاده اشاره می کند که به خاطر شرایط به وجود آمده که موجب معطل ماندن کار شهروندان در دادگستری شده، در روز محاکمه اش، به اقتضای وظیفه معلمان از اینکه محاکمه یک معلم موجب شده که آنها نتوانند به امور قضایی خود برسند، عذر خواهی کرده است. او در پایان از روند رسیدگی به پرونده خود از سوی قاضی شعبه در روز محاکمه، اعلام رضایت کرده و آرزو کرده قاضی با حفظ استقلال، برائت او را صادر نماید.

<https://t.me/kashowra>

## شنبه سرکوب و بی شرمی در رودسر عزیز قاسم زاده

۲۱ اسفند روزی است که از اذهان معلمان کشور و حتی مردم ایران پاک نخواهد شد. روزی که عملی استبداد، جنبش فهیم فرهنگی را با حرکت سقیم سرهنگی پاسخ داد و برای سرکوب معلم، یگان ویژه را بسیج کرد و لشکری از هتاکان و فحاشان ردای شومی پوشیده را، برای یورش به درویشان بی قبای تعلیم و تربیت به خیابان های شهر گسیل کرد و دو نهاد دادگستری و آموزش و پرورش را تعطیل کرد و چهره شهر را مخدوش و سفیران تعلیم و تربیت را مضروب و دفتر دانش را مصلوب و هر شهروند حاضر را سرکوب کرد تا قدرت عریان خشونت غیر قانونی را نه علیه خشونت طلبان بلکه علیه کسانی به کار گیرد که گناهشان دعوت از قانون شکنان بر مصطبه نشسته به قانون بود و لاغیر و چه سرنوشت غم انگیزی برای قومی رقم خورده که شهروندانش نه به اتهام عبور از قانون که به اتهام دعوت به بازگشت به قانون به میز محاکمه کشیده می شوند و وقتی قرار است همراهانی در حمایت از داعی، پا به صحنه گذارند، با ردای دنائت و جامه ی شناعت، قامت ناساز رذالت را به سوزن خبائت می دوزند و به مقرض خیانت می بُرند و حق را باطل جلوه می دهند و از شهروند توقع رعیت بودن دارند و از رعیت جز اطاعت نجویند و در مُلک داری مُنقاد را عزیز و نُقاد را در حَضیض می نشانند. در یورش تلخ شنبه سرکوب به معلمان، ائتلافی پنج گانه چنان در هم تنیده شده بود تا دنیا بداند که در این مُلک فرادستان نه هر کسی از مُختلسان دارند و نه هجومی بر مُرتشیان می بُرند. مظلوم در چنگال آنها لقمه ای است برای بلعیدن و دستان فرادستان قدرت، بهترین فرصت است برای بوسیدن تا نردبان قدرت از سقوط آداب معرفت، ارتفاع گیرد و معاش ثروت از سقوط اخلاق خدمت، ارتقا یابد و فضیلت به مُحاق نشیند تا رذیلت در معیت اختناق در آید و از این قِبَل بساط عیش حضرات فراهم آید. شنبه سرکوب در رودسر روزی است که دستگاه قضا به غزای معلمان رفت و نیروی انتظامی و لباس شخصی ها چنگ در صورت معلم افکندند و سنگ در حیثیت دانش آویختند. رئیس آموزش و پرورش شهر نشان داد نه تنها غیرتی بر معلمان میزبان و میهمان نمی ورزد و درب خانه آنها را به روی آنها می بندد و با سکوت در برابر ضرب و شتم و هجوم بی امان به آنها، به این حجم از بی عملی و بی

ثمری، بسنده نمی کند و به جای عذر خواهی از ساحت محترم معلمان آسیب دیده و مجروح، شمشیر را از رو می کشد و نمک بر زخم آنها می پاشد و جانب حریم حرمت آنها را نگاه نمی دارد و ادای دین خود را نه به فرهنگیان مظلوم حق خواه، بل به سرهنگیانی روا می دارد که دست تطاول و ستم خویش را به سوی معلمان آگاه دراز کرده اند. او با چنین بی تدبیری آمیخته با بی شرمی، ننگی برای خویش به یادگار نهاد که با آب زمزم هم پاک شدنی نیست. اما دادستان شهر نشان داد به عنوان مدعی العموم قرار نیست داد بی پناهان را بستاند بلکه با تمام قوا برای هجوم به معلمان در کنار خشونت طلبان می ایستد و برای محاکمه یک معلم دادگستری را به تعطیلی می کشد و قبای و کیل را می گیرد و در میدان دادگستری عربده تهدید سر می دهد و عمالش حتی بر مادری سالخورده که تنها گناهش حضور در محل دادگستری برای حمایت از فرزند معلمش هست، رحم نمی آورند و او را به سمت سنگفرش خیابان پرتاب می کنند که اگر نبود یکی از نزدیکانش، معلوم نبود سرنوشت او با آن کهولت و بیماری و آن هجوم وحشیانه به کجا کشیده می شد. اگر اراده ای برای رویت دوربین های دادگستری و نمایش آن در منظر عموم مردم باشد، پس از آن شنبه سرکوب دیگر نه دادستان این شهر از فردایش حق تکیه زدن بر چنان جایگاه خطیری را داشت و نه رییس او و نه فرمانده نیروی انتظامی این شهر و از همه مهم تر فرماندار شهر که دستور داد تا در محاکمه یک معلم همه ی تمهیدات برای به وجود آمدن حکومت نظامی در شهر مهیا شود. اکنون پرسش مهم اینجاست که چه کسانی در ۲۱ اسفند تشویش اذهان کردند و تبلیغ علیه نظام؟! آنانی که نگذاشتند عده ای معلم در همراهی نجیبانه و آرام با معلمی دیگر، طبق اصل ۲۷ قانون اساسی و بنابر توصیه همان مسئولان دادگستری و امنیتی که آموزش و پرورش را برای حضور خود برگزیند و بر عهد خود وفا نکردند یا معلمانی که تنها آمدند در خانه خود حضوری آرام داشته باشند، اما سرکوب شدند؟ به راستی داوری مردم در این میانه به کدام سو است؟ آیا فهم این موضوع اینقدر پیچیده است؟ چهره شهر را کدام یک از این دو طرف به سیاهی کشانیده است؟ اگر عقلانیتی در زعمای امور باشد، در خواهند یافت این پرسش ها از آن دست پرسش هایی است که در درونش پاسخ درست زمامداری معقول معلمان و هادیانه را عرضه کرده است. اگر اراده ای برای دفع چنین سمومی بر طرف بوستان سیاست و ملک داری نباشد، وقایع تلخ و پیش بینی ناپذیری جامعه ی ایران را در گرداب های تند خواهد برد. معلمان به زبانی لطیف و نظیف سخن می گویند. گوش هایی که آن را نشنوند، راه را برای طغیان می گشاید.

**\*روایت #محمود\_بهشتی\_لنگرودی**

از برخورد خشونت آمیز ماموران با تجمع معلمان در رودسر  
#قسمت اول

لطفا عضو کانال شورا شوید و کانال را به دانش آموزان، اولیا و همکاران معرفی نمایید

@kashowra

<https://web.telegram.org/z/#-1496962275>

**\*روایت #محمود\_بهشتی\_لنگرودی**

از برخورد خشونت آمیز ماموران با تجمع معلمان در رودسر  
#قسمت دوم

لطفا عضو کانال شورا شوید و کانال را به دانش آموزان، اولیا و همکاران معرفی نمایید

@kashowra

<https://web.telegram.org/z/#-1496962275>

## حمایت های اشخاص :

زمستان می گذرد....

عیسی تقی پور دبیر بازنشسته

دوستان عزیز و همکاران ارجمند از سراسر گیلان به ویژه انزلی و نیز معلمان مطالبه گر سراسر ایران که امروز به شهرستان ما آمدید اما ما نتوانستیم پذیرای این همه لطف و صفایی که به همراه آورده بودید، باشیم. شما آمده بودید تا از عزیزی از شهر ما که به واسطه ی حق طلبی و حق گویی در پشت میز محاکمه قرار گرفته بود، حمایت کنید. شما آمدید تا به ما و همه معلمان این شهرستان بگویید که اگر چه از شهر دیگری هستید، اما در راه رسیدن به آرمان و اهداف مطالبه گری همه پشت سر هم هستیم. دریغ که هزاران دریغ میزبانی خوبی برای شما نبودیم و چهره شهرستان ما را عده ای خشونت طلب و تمامیت خواه که تحمل شنیدن صدای معلمی که برای گرفتن حق خود به میدان آمده را خدشه دار کردند...!!! صدگلایه و شکوه از آن همه همکار و فرهنگی در سطح شهرستان که متأسفانه بی تفاوت در خانه نشستند فقط تماشاگر شدند. زمستان می گذرد روسیاهی برای ذغال می ماند. اما تمامیت خواهان و خشونت طلبان بدانند صدای معلم خاموش شدنی نیست. چرا که پیش از این هم گفته شد که باید بر خواسته ی معلمان این سرزمین گردن نهند و آنها جز حق و حقوق خود چیزی را طلب نمیکنند... من هم از همه عزیزانی که شهرستان ما آمدند و مورد کم لطفی و بی مهری قرار گرفتند سر تعظیم فرود می آورم و از بابت انهم خشونت و ضرب شتم که توسط عده ای انهم با هدف عذر خواهی می کنم. مطمئنم که در بدنه نیروهای انتظامی این شیوه مورد پذیرش نبوده نیست اما همانطوری که مشاهده شد در بین آنانی افراد دیده می شدند که به نظر می رسید از قبل خودشان را برای خشونت و درگیری آماده کرده بودند...!!! اما یک نکته غیر قابل قبول برایم باقی مانده و آن هم این حرکت و رفتار نابخردانه آقای دوریش رئیس اداره رودسر بوده... من آقای درویش را سالها می شناسم و در گذشته همواره جز یکی از افراد شاخص در بیان حق و حقیقت و مطالبه گری بوده همیشه در کنار معلمان بوده. اما متأسفانه رفتار زشت امروز ایشان در بستن درب اداره بر روی همکاران هیچ توجیهی نداشته باید خودش شخصا با نیروهای امنیتی مذاکره می کرد و همکاران را به محوطه اداره هدایت می کرد. جای تأسف آقای دوریش برای همیشه این ضعف مدیریتی را در کارنامه خود ثبت کردید و نتوانستید مثل گذشته میزبانی همکارانی که در واقع به حمایت از معلم شهر خودت آمده بودند باشید. از همه عزیزان و همکارانی که به هر نحوی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و دل مکر شدند صمیمانه پوزش می طلبم.

فریادهای مسعود فرهیخته خطاب به نیروهای انتظامی و امنیتی که روز شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ در رودسر مانع از تجمع حمایتی از عزیز قاسم زاده شدند.

«آموزش و پرورش منزل ماست.

ما در خانه خودمان میزبان هستیم. اگر قراره کسی بره شما هستید که غیر فرهنگی هستید.

کسی نمیتونه ما رو از خونمون بیرون کنه.»

لطفا با لینک زیر عضو کانال شورا شوید و کانال را به دانش‌آموزان، اولیا و همکاران معرفی نمایید

<https://t.me/kashowra>

---

---

### از دیروز (شنبه بیست و یکم اسفندماه هزار و چهارصد)

**صفر علی رضائی معروف به (عمو صفر)** خشک سلی دبیر بازنشسته ی هنر مدارس راهنمایی لنگرود

پس از مشاهده ی برخوردهای خشونت بار حاکمیت با همکاران فرهنگی ام و ضرب و شتم و بازداشت همراه با فحاشی و استفاده از الفاظ موهن و تعدی نسبت به بانوان فرهنگی ام که از نقاط مختلف در پی بیانیه ی کانون معلمان در خصوص حمایت از همکار فرهنگی فرهیخته ی ما جناب عزیز قاسم زاده و تجمع در محوطه ی اداره ی آموزش و پرورش شهرستان رودسر گردهم آمده بودند تاکنون هنوز بخود نیامده و مات و حیران از این برخوردهای غیر انسانی بر خود میپیچم و با یادآوری لحظه ی بازداشت محمود صدیقی پور عزیزم که در چند قدمی من بود و مشت و لگدهایی که از سر نفرت نثار خانم نیکبخش گرامی و مهری زمانی پور عزیز شد شرمنده تر میشوم که اصولا چرا باید در چنین سرزمینی بدنیا می آمدم که شاهد چنین برخوردهایی باشم؟ از سوپی سوال های مردم و عکس العمل های عجیب شان بعد از شنیدن جواب هایمان ذهنم را مشغول نموده و از طرفی نگران تبعات ناشی از برخورد خشن فیزیکی با محمود بهشتی عزیزم هستم و دیگر همکارانم و نمیدانم گیر کار کجاست.

اینکه همکاران ما تنهایمان گذاشتند و بی تفاوتی را برگزیدند و تاوانش را همکار بانوی گرامی فرهنگی خانم مقدم پردازد و راهی بیمارستان شود، و تصور اینکه این موجودات عظیم الجثه با نقابهایی رعب انگیز هم آیا دانش آموزان ما بودند شدیداً آزارم می دهد.

استقبال سراسر توهین و فحاشی و کتک کاری از همکاران گرانمایه ام که از آنسوی خزر به میهمانی ما آمده بودند توسط نیروهای واکنش سریع! در مخیله ام نمیگنجد و نمیتوانم با خودم کنار بیایم.

سلاح ما معلمین چند خودکار بود که در جیب خالی از پولهای نفت و عده داده به ما و اجاره بهای خزر و کیش و قشم و...جا خوش کرده بود و مجال استفاده از آن را هم حتی به ما ندادند.

آری معلمی جرم است و آزادیخواهی و آگاهی بخشی به جامعه بمراتب مجرمانه تر از دزدی و اختلاس و رانت و فروش و اجاره ی غیرقانونی است که در واقع به ثمن بخس به بیگانه هبه گردید.

بله، راه درازی را در پیش داریم تا سرمنزل آزادی، تا آنجا که شان و منزلت معلم را به رخ بکشیم و حق خواهی مدنی در جامعه ی بحران زده ی کنونی نهادینه شود.

اما مرور خاطرات تلخ دیروز به من و ما این نکته را متذکر می شود که عزیز قاسم زاده ی لیاسی در چه شرایطی و در چه شهری و با چه نحله ی برخورد امنیتی دست به فعالیت های مطالبه گرانه زده است و چه حرف های ناگفته ای از مجموع این برخوردهای غیر انسانی دارد.

دستهای یکدیگر را به مهر بفرسیم و با عزمی راسخ در راه احقاق حقوق تضییع شده ی خویش می کوشیم.

باشد که رستگار شویم.

صفر علی رضائی خشک سلی دبیر بازنشسته ی هنر مدارس راهنمایی لنگرود

یکشنبه بیست و دوم اسفندماه هزار و چهارصد

---

## به بهانه ی رخداد رودسر و جلسه‌ی عزیز قاسم زاده

ارغوان  
این چه رازی است که هر بار بهار  
با عزای دل ما می آید  
وین چنین بر جگر سوختگان  
داغ بر داغ می افزاید

### امراه نصرالهی

باز سم ستوران غرچگان و اعوران در آغازگاه بهاری دیگر از برای شکفتنی دیگر، پای بر کرده هایمان نهادند. همین که فصل، فصل رویدن می شود و آیین سبزینگی به -رسم بر سفره هامان پدیدار می گردد، سواران خزان از راه می رسند و خسته خسته اندام ناساز ما را لت لت و چاک چاک می کنند تا نابرسم طریق گجسته و ناجوانمردی شان را عقده ها بگشایند. ما قلندران وادی حقیقت را، دردی کشان کوی محبت را، عاشقان مقام انسانیت را، زخمی ناسور زنده. پیشگاه حقیقت را تازانه زنان با وردهایی پر ز دروج و فریب بسمل کنند. گلوی مرغ سحر را بدرند، آواز سرخ او از گلو برنامده خفته سازند که گویی مراد آنها تنها در نامرادی ماست. این بی چرا زندگان و شب کوران تنها معاد مقدرشان جز این نبوده است. می آیند تا آب حیوان تیره گون سازند، از شاخ سرو خون چکانند. ما انبوه اندوهان دیرین، شاهدان بی سرنوشت این بی درکجایی بوده ایم. ما را حتی امان گریه ندادند تا بر تل ویرانه ی خویش بنشینیم و مویه سر دهیم. تاریخی که قامت راست نکرده در خم ستمی دیگر کژ می شود. و کدام شاعر این سرزمین است که شعری بر ناتندرستی این مهن پر محن نسروده باشد. پیر توس با نامه ی رستم فرخزادش، انوری با قصیده ی اهل خراسانش، پیر گنجه با طرح شکایت از زبان پیرزنی بیداد دیده اش، سعدی و بوستان تربیت و سیاست اش و حافظ با آن ایهام های تند مزاجش که عارف و عامی و زاهد و محتسب و مست نمی شناسد. و اکنون این صدای اوست در زمانه ی حاکمیت بی هنر شهریاران غرچه با آشکارا گزندشان از دل ناماندگار بی درمان ما که؛

مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ  
کجاست فکر حکیمی و رای بر همنی؟

---

تقدیم به عزیز ِ عزیزان - عزیز قاسم زاده  
" نادر پورخانی "

دگر روایتی غریب ،  
ز اتفاق رودسر  
عمری در رودسر معلمی کردم و هنوز نیز زندگی! /  
هرگز شهر را چنین شور و شیرین ، زنده ندیده بودم! /  
برایم شهر خصوصا خیابان شهادیش شباهت به زمین کشتی داشت  
در بهاران

هر لحظه جوانه های کاشته شده ، سروا می کردند و دیدنیهایی با دلهره های دلداری؛  
قد بر می کردند  
در جلوی چشمانِ خشونت به جلوه گری می رقصیدند!  
کاش شما هم بودید و می دیدند ؛  
کین فاصله های فرسنگی را ، سویی سرشاری عشق بود و آن دگر سو : جفتکِ خشم  
بس غریبانه عجیب  
آمیخته و ناموخته :  
خشم و مهر و ادب و گستاخی را این سو ، معلمان / آنسو ، گویی که دشمنانِ دانش بودند!  
چه زیبا بود ؛ آن تمثیل ؛ که می گفتند : شنیدن کی بود مانند دیدن / کاش بودی و می دیدی /

---

## راست است که میگویند: «معلمی شغل انبیاء است؟»

### علی صفری دبیربازنشسته

با درود و احترام به همکارانِ سرافراز و آزاده، حق خواهان و میدان داران نیک اندیش و روشنگر، در صحنه، از دیار انزلی، رشت، لاهیجان و لنگرود و همچنین معلمان مهمان نقاط دیگر کشور از جمله تهران، البرز، اسلامشهر، دورود و... خصوصاً به جنابان: عزیز قاسم زاده، محمود بهشتی لنگرودی، محمود صدیقی پور، حسن نظریان، مسعود فرهیخته، امیر حسین آقاجان پور و سرکار خانم مقدم نژاد.

روز ۲۱ اسفندماه سال ۱۴۰۰، در شهرستان رودسر، تاریخی رقم خورد که در آن دو واقعه متضاد اما توأم خود را بروز و ظهور دادند.

یکی از آن دو واقعه اتفاقی بود که (ضلالت و ظلمت) به شکل عُریان و تمام قد خود را عیان ساخت، و دیگری واقعه ای که از آن نور (روشنگری و بیدارکننده) سرزرد و در اندک مدتی، همه ی (ضلالت ها و ظلمت ها) رابه کنار راند.

(ضلالت و ظلمت) از آن جهت که، سردمداران و زورمداران، این شب پره خویان نورگریز، در این روز غم انگیز (سنگ هارابستند و سنگ هارابه جان مردم انداختند). آنها آتش به اختیاران سیاه پوش وفاطی گماندوهای سیاه دل را آزادگذارند، تابه جان معلمین زن و مرد بیفتند، و بر این انسانهای خردگرا و اندیشه ورز، مغول گرا و خصم گونه بتازند، زنان فرهنگی رابه خاک مدلت بکشاند و حداقل ۶ تن از راست قامتان فرهنگی رابا اهانت و ضرب و شتم بازداشت نمایند.

(ضلالت و ظلمت)، از آن جهت که متولیان کم مایه و تصمیم گیران سطحی نگر در این واقعه، با خامی و ندانم کاری، کار را بدانجا کشاندند که، در ظرف یک ساعت، همه ی حرمت ها و ارزش های مردم شهرستان رودسر را چوب حراج زدند، بی اعتبارشان ساختند و لگه ی بدنامی را بر پیشانی فرهنگ و مدنیت این مردم چسبانند.

(ضلالت و ظلمت)، از آن جهت که زورمداران کم سواد و تصمیم گیران نزدیک بین، به این بهانه که فرهنگیان حق ندارند که، از مظلومیت یک فرهنگی حق خواه، آزاداندیش، هنرمند و سخن گوی صنفی معلمان خویش یعنی از جناب قاسم زاده، در روز محاکمه اش، در دادگستری رودسر حمایت کنند، دست به انجام کاری میزنند که، طشت رُسوائی شان از بام می افتد و صدای شکستنش، نه تنها ایران که، همه ی گره زمین را فرا می گیرد.



این تصمیم گیران اگر اندکی، نگاه امنیتی و زورمدارانه شان را کنار میزدند و به صورت علمی و منطقی فکر میکردند، به راحتی میتوانستند، بطور ضمنی و محترمانه این اقدام حق خواهان ی فرهنگیان را به سرانجامی قابل قبول و مرضی الطرفین سوق داده و این بدنامی و بدفرجامی را به مردمان شهرستان رودسر تحمیل نمینمودند.

اما باتأسف و تأثر زیاد، تصمیم سازان و تصمیم گیران، باخامی تمام در جهت پاک کردن صورت مسئله و ایجاد رعب و وحشت، قسمت بزرگی از شهر رودسر را، امنیتی و شبه نظامی کردند، متعرض هر عابر موبایل بدست در آن محدوده شدند، راههای ورود و خروج به دادگستری را بستند، دادگستری را امنیتی کردند، در بیرون و درون دادگستری، به آقای قاسم زاده و همراهانش اهانته نموده و متعرض مادر پیرش گشتند.

این همه حرمت شکنی ها و جسارتها به ساحت فرهنگیان بیدار و حق خواه از آنجا نشئت میگیرد که در پس آن تصمیمات متخذه هیچ نشانه ای از درایت منطقی و استدلال عقلی دیده نمیشود.

(ضالالت و ظلمت)، از آن جهت که درب ورودی ساختمان آموزش و پرورش شهرستان رودسر را که خانه دوم فرهنگیان است را به روی شان میبندند و بر آن درب قفل مینهند، سپس لباس شخصی های سیاهپوش و سیه دل را به صاف کشانده و آرایش تهاجمی میدهند، و آن چنان بابتی شرمی و بی حیائی، فرهنگیان را گتک کاری و بازداشت میکنند که جادارد:

» روز شنبه ۲۱ اسفندماه سال ۱۴۰۰ را به عنوان (شنبه سیاه)، در پرونده تاریخی مردمان شهرستان رودسر ثبت و ضبط نمود»

(ضالالت و ظلمت) از آن جهت که بانیک نگری، در میابیم که یک سقوط اخلاقی و یک فاجعه ی ملی در کشور (بلازده) ما بوجود آمده است، کشوری که مهد مدنیت و تاریخ بوده، امروز به جایی رسیده است که دهان معلمش را به جرم حق خواهی میبندند و به حبس و شکنجه می کشانند.

(شنبه سیاه) را نباید یک روز سیاه بلکه یک (تاریخ سیاه) دانست، بدان سبب که در این روز، فقط فرهنگیان حاضر در صحنه نبودند که به داغ و درفش کشیده شدند بلکه غرور و فرهنگ یک کشور بود که به پلیدی آغشته شده و به خاک مذلت کشیده شد.

آخرین میخ بی فرهنگی را بر تابوت علم، هنر و ادب کشور فرو کوفتند.

حرمت معلم، پشتوانه ی اعتلا و اعتبار کشور است.

و به حبس کشاندن آن، نشانه سقوط اخلاق، و بروز توحش در جامعه.

فرهنگ ستیزان در (شنبه سیاه)، حرمت و امنیت معلم را به خاک سپردند، مقبولیت معلم را بر باد دادند، خشت زیرین و نگهدارنده ی نظام آموزش و پرورش را خرد کردند. دیگر معلم چگونه میتواند، چشم در چشم دانش آموزش بیاندازد و به او درس علم و اخلاق بیاموزد.

آیا این فرهنگ ستیزان خود، فرزند ندارند؟ آیا آنها میخواهند، فرزندانشان را، به سبک و سیاق خود و بصورت مزدور، و قداره بند در بیاورند؟

هزاران افسوس بر این همه بی خردی و هزاران فریاد از این همه بیداد

بر می گردد به پرسشی که در آغاز سخن بدان اشارت گردید، به اینکه:

آیا هنوز باور دارید، معلمی شغل انبیاء است؟

نمیدانم تصورتان چیست؟! ممکن است بگویید: باین همه ستم و جفائی که در امروز ایران بر معلم وارد میشود این یک شعار فریبنده و یک دروغی بیش نیست. حق باشماست. در جامعه ی امروز ایران، این یک شعار نجسب و بی محتواست.

وَصَفِ حَالِ امْرُوزِ اِیْرانِ رابِهِ خُوبیِ اَز زبَانِ حَکیمِ

توس، فردوسی بزرگ می‌شنوید که:

نِهانِ گِشتِ آیینِ فرزانگانِ پراکندهِ شِدمانِ دیوانگانِ

هُنرِ خوارِ شدِ جادوییِ ارجمندِ نِهانِ راستی، آشکارا گزند.

گفتار فوق اندک نمودی بود از (ضلالت و ظلمت) برخاسته در «شنبه سیاه» از رودسر.

اما از دل این ظلمت و ضلالت، از درون این گمراهی و سیاهی ناگاه نوری می درخشد و تا دور دستها، تا همه ی نقاط کره زمین، چشم هارا خیره میکند، و در پیرامون خود نیز، چشم های خواب آلوده را بیدار می سازد و مردم می بینند که بر فرهنگیان و بر متولیان علم و اندیشه چه جفاها و ستم ها وارد میشود. می بینند که «هنر خوار شده و جادویی ارجمند گردیده است»

ناگاه همه ی جهان دیدند که، فرهنگ ستیزان دارند، تفکر دادخواهی، حقگویی و آزاداندیشی را در نطفه خفه میکنند.

دیدند که جهل و جهالت، بر چهره علم و اندیشه تیغ میکشد، دیدند که فرهنگیان بیدارند و نمی پذیرند که، تاریخ اندیشان، پای برگلوی حقانیت و مقدرات علمی شان بگذارند، همه دیدند که رودسر هم، چون همه جای ایران بیدار و زنده است.

رودسر «زنده سر» است و با جای جای مردم ایران، هم‌نوا شده تا استوار بدارد فرهنگ و ادب ایران را، تا متجلی سازد کرامت و مقام معلم را، تا با آنها هم‌آواز شود.

و در شان معلم بخواند این حقیقت را که:

در بزم عشق شمع فروزان معلم است /

پروردگار روح حکیمان معلم است /

هرگز گزافه نیست که گویم پس از خدای /

آنکس که خلق میکند انسان معلم است.

به امید اینکه انسانیت زیر پا گذارده نشود، دست خون آلود ناپاکان پیش چشمان خلق پنهان نگردد و آزادی یعنی امکان سرپیچی از جبر حاکمان تحقق پذیرد.

---

**به بهانه ی رخداد رودسر و جلسه ی عزیز قاسم زاده**

**امراه نصرالهی**

ارغوان

این چه رازی است که هر بار بهار

با عزای دل ما می آید

وین چنین بر جگر سوختگان

داغ بر داغ می افزاید

باز سم ستوران غرچگان و اعوران در آغازگاه بهاری دیگر از برای شکفتنی دیگر، پای بر کرده هایمان نهادند. همین که فصل، فصل روییدن می شود و آیین سبزینگی به -رسم بر سفره هامان پدیدار می گردد، سواران خزان از راه می رسند و خسته خسته اندام ناساز ما را لت لت و چاک چاک می کنند تا نابرسم طریق گجسته و ناجوانمردی شان را عقده ها بگشایند. ما قلندران وادی حقیقت را، دردی کشان کوی محبت را، عاشقان مقام انسانیت را، زخمی ناسور زنند.

پیشگاه حقیقت را تازانه زنان با وردهایی پر ز دروج و فریب بسمل کنند. گلوی مرغ سحر را بدرند، آواز سرخ او از گلو برنامده خفته سازند که گویی مراد آنها تنها در نامرادی ماست. این بی چرا زندگان و شب کوران تنها معاد مقدرشان جز این نبوده است. می آیند تا آب حیوان تیره گون سازند، از شاخ سرو خون چکانند. ما انبوه اندوهان دیرین، شاهدان بی سرنوشت این بی درکجایی بوده ایم.

ما را حتی امان گریه ندادند تا بر تل ویرانه ی خویش بنشینیم و مویه سر دهیم. تاریخی که قامت راست نکرده در خم ستمی دیگر کژ می شود. و کدام شاعر این سرزمین است که شعری بر ناتندرستی این مهن پر محن نسروده باشد. پیر توس با نامه ی رستم فرخزادش، انوری با قصیده ی اهل خراسانش، پیر گنجه با طرح شکایت از زبان پیرزنی بیداد دیده اش، سعدی و بوستان تربیت و سیاست اش و حافظ با آن ایهام های تند مزاجش که عارف و عامی و زاهد و محتسب و مست نمی شناسد. و اکنون این صدای اوست در زمانه ی حاکمیت بی هنر شهریاران غرچه با آشکارا گزندشان از دل نامانندگار بی درمان ما که؛  
مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ  
کجاست فکر حکیمی و رای بر همنی؟

## شیراز، بیست و یکم شهریورماه هزار و چهارصد

### نمک نشناسی در حق معلم

#### محمد حسن پوره / معلم و فعال صنفی

برخورد خشن، و اهانت آمیز با معلمان روز شنبه ۲۱ اسفند که راهی رودسر شده بودند تا از همکار خود عزیز قاسم زاده حمایت کنند و به احضار ایشان معترض شوند، حرکتی زشت و شنیع بود که نمک نشناسی محض از سوی حکومتی بود که بقا و تحکیم پایه هایش تا حد زیادی مرهون همراهی و حمایت معلمان بوده است.

بنا بر آمار نهادهای ذیربط حکومت، در دوران جنگ هشت ساله بیش از ۱۵۰ هزار نفر از معلمان در جبهه های حق علیه باطل حضور داشتند که ۴ هزار و ۹۰۰ تن از آنان در جنگ کشته شدند.

معلمان با حضور در جبهه ها شور و هیجانی به جنگ می دادند بطوریکه معلمان مشوق و محرک جامعه ی دانش آموزی برای حضور در جبهه های جنگ بودند. از مجموع دانش آموزان رزمنده، ۳۶ هزار نفر شهید شدند و برخی از آنان مفقود الاثر هستند و بیش از ۸۵۶ نفر مجروح شدند. در کنار هر ۷ شهید دانش آموز یک معلم شهید شده است.

نمایش های قدرت حکومت در مناسبتهای حکومتی همچون، ۱۳ آبان، ۲۲ بهمن، برگزاری جشن های حکومتی دهه فجر و مناسبتهای فراخور شرایط روز، همه مرهون حضور معلمان بوده است.

انتخابات های فرمایشی گوناگون و هر ساله، برای شورآفرینی کاذب و سیاهی لشکر، چه حضور پای صندوق های رای و چه در اجرای امور انتخابات، حضور معلمان چشمگیر بوده است و هر چند در دهه اخیر، هر سال متناسب با شرایط عمومی حاکم بر کشور و همگام با اکثریت جامعه بخصوص در دو سه سال اخیر از میزان حضور معلمان بشدت کاسته شده است.

بدوش کشیدن بخشی از بی توجهی حکومت در انجام وظایف حاکمیتی در نظام آموزشی توسط معلمان، از جمله کسری جذب معلم، بهره کشی از نیروهای خرید خدمت و قراردادی، با حداکثر استثمار نیروی کار آموزشی، انجام امور آموزشی و تدریس با امکانات شخصی بخصوص در شرایط همه گیری کرونا بمدت بیش از دو سال و پرداخت نکردن حق الزحمه های آموزشی از برگزاری امتحانات گرفته تا حق التدریسی که بعضا دو یا سه سال با تاخیر پرداخت می شود ... بخشی از بدوش کشیدن وظایف حکومت توسط معلمان است.

حال معلمی که بیش از دو دهه است از تبعیض، فقر، بی عدالتی، چپاول صندوق ذخیره، اعتراض به تلاش دست های مرموز برای تملک صندوق ذخیره که کاملا غیر دولتی است، و... معترض است، آیا باید چنین هتاکانه مورد ضرب و شتم قرار بگیرند؟ مگر معلمان جز دعوت حکومت به اجرای قانون اساسی و شهروندی، حرکتی خارج از اصول قانون اساسی داشته اند؟؟

کدام اصول فصل سوم قانون اساسی(۱۹ تا ۳۹)، تحت عنوان حقوق ملت در مورد معلمان رعایت شده است؟؟  
اگر به خیابان می آیند، به اعتبار اصل ۲۷ :

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.  
قانون اساسی می آیند.  
اگر از بی عدالتی در نظام آموزش می گویند و فریاد می زنند، به اعتبار اصل ۳۰ قانون اساسی؛

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. دفاع می کنند.

اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

وظیفه حاکمیت و نهادهای حاکمیتی در قبال اصل ۲۲ چیست؟؟  
چه کسانی به حیثیت معلم یورش بردند؟؟ چرا آمرین و عاملین هتک حرمت معلمان از مصونیت برخوردارند؟ درحالی که اصل ۲۲ اشخاص و شهروندان را از تعرض مصون می داند.

اگر معلم بازنشسته به خیابان می آید مگر در اصل بیست و نهم:  
برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای

پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند. رفاه و تأمین اجتماعی بازنشسته وعده داده نشده ؟؟؟؟

در جریان بازداشت عزیز قاسم زاده، مگر اصل سی و نهم نمیگوید؛ هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. کیفیت بازداشت های چند ساله و بخصوص اخیر معلمان از زیر پا گذاشتن این اصل خبر می دهند. روز تلخ ۲۱ اسفند روز نمک شناسی حکومت بود، اما این تلخی چهره از دروغی برداشت که هر سال و در هر فرصتی، منصب نشینان از شأن و مقام معلم می گویند و چه مزورانه میگویند. شان معلم را از نگاه حاکمیت در چند سال اخیر بخصوص خشونت عریان در روز شنبه ۲۱ اسفند را دیدیم.

## حمایت های جمعی

**بیانیه کانون صنفی فرهنگیان گیلان در محکومیت رفتار خشونت آمیز با معلمانی**  
که قصد تجمع مسالمت آمیز در حمایت از آقای عزیز قاسم زاده عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان در روز شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ در اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر داشتند.

به نام خداوند جان و خرد پذیرش حق اعتراض از ویژگی های بسیاری از جوامع امروز است. ما معلمان هم به عنوان گروهی مرجع از جامعه ایرانی بر این همه نابرابری حقوقی، حق کثی و بی توجهی ارکان حکومتی نسبت به خود معترضیم و در روند پیگیری خواسته های خود تجربه های قلمی و عملی چندی را پشت سر نهاده ایم، در راستای اهمیت این حق اعتراضی بیان می داریم که جامعه مردابی جامعه مرده خواهد بود که در آن آب های راکد، مرگ ماهی ها و هر نوع حیات را در پی خواهد داشت و ما که گفته و ناگفته قرار بسته ایم شور و هیجان بیافرینیم، نمی توانیم پشت درهای فرو بسته بمانیم و شاهد حذف تدریجی خود و نابودی هویت فرهنگی مان باشیم پس در هر صورت به پرواز شک نمی کنیم و فواره اعتراض را همچنان باز نگه می داریم. شاهد نهادینه شدن تدریجی اعتراضات و نهادینه شدن تدریجی واکنش نظام به اعتراضات هستیم. مجموعه این شرایط است که بر اساس آن می توان ایران را جامعه جنبشی نامید.

هر جنبشی اعتراضی، پاسخی که از مسئولان می یابد، رنگ خاصی می گیرد اگر پاسخ در خور بیابد به سود طرفین می انجامد. اما اگر جواب مناسب نگیرد، یا به حرکات تند اجتماعی منجر می شود یا به شورزار یأس گردن می نهد که این دو(حرکات تند و یأس) آسیب های جبران ناپذیری در پی خواهند داشت. جنبش معلمان با این که پاسخ شایسته ای از طرف دیگر دریافت نکرده است، مسلماً یأس را نخواهد پذیرفت، از روند صعودی اعتراض هم پا پس نخواهد کشید.

در اعتراض مسالمت آمیز روز ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ تدبیر نادرست مقامات سبب رفتار خشن مأموران به ویژه لباس شخصی ها که همچون رباط های بی احساس با زدن ضربه بر پشت فرهنگیان پیر و جوان آنها را از اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر دور می کردند، رفتار زشت و زننده با بانوان فرهنگی و مصدوم کردن بعضی از آنها ، زدن و انداختن فرهنگی بازنشسته بر کف خیابان، در نهایت بی حرمتی بازداشت آقایان محمود بهشتی لنگرودی، محمود صدیقی پور، حسن نظریان، بهرام بخشی پور، مسعود فرهیخته، رفتار بسیار ناشایست با مادر آقای قاسم زاده و دیگر اعضای خانواده...  
همه اینها بر نادرستی عملکرد مسئولان و حقانیت خواسته های فرهنگیان دلالت دارند.

آهای مسئولان، چشم و گوش بر واقعیت های جامعه نبندید. خانه از آن همه ماست بیش از این خرابش نکنید. ملت ناراضی را همیشه به زور سرنیزه نمی توان ساکت نگه داشت. دردا که در همیشه تاریخ قدرتمندان این را درنیافته اند.

کانون صنفی فرهنگیان گیلان بار دیگر بر خواسته های برحق صنفی فرهنگیان ( آزادی معلمانی که به واسطه فعالیت صنفی زندانی شده اند، مختومه اعلام کردن پرونده های فرهنگیان فعال صنفی، بازگشت به کار معلمان اخراجی، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، تحصیل رایگان برای همه فرزندان جامعه، برخورداری همه فرهنگیان شاغل و بازنشسته از بیمه درمانی کارآمد...) پای می فشارد و از مقامات جمهوری اسلامی ایران می خواهد به این خواسته ها بی توجه نباشند چرا که پیامدهای ناگوار آن به ضرر همه است.

۱۴۰۰/۱۲/۲۳

**کانون صنفی فرهنگیان گیلان**

=====

**کنشگران فرهنگی و کانون صنفی معلمان البرز  
در محکومیت حمله به معلمان در رودسر استان گیلان**

ای قلم حوصله کن درد فراوان دارم  
بی نهایت گله از بازی دوران دارم  
به نام آنکه خرد را آفرید

هنوز از شوک سرکوب و ضرب و شتم معلمان البرزی توسط نیروهای پاسداشت امنیت و نظم عمومی تجمع روز شنبه سی ام بهمن ماه مقابل خانه خودشان آموزش و پرورش در کرج بیرون نیامده بودیم که دگر بار شاهد سرکوب این نیروها به فرهنگیان همیشه مورد تبعیض در شهر رودسر بودیم البته در حمایت از یکی دیگر از یاران فرهیخته ای که عزیز قاسم زاده که جرمش دفاع از قلب تپنده ایران زمین یعنی آموزش و پرورش بود، دفاع از کودکان باز مانده از تحصیل، حمایت از معلمان زندانی و خانواده آنها و معیشت معلمان و اعتلای آن، و پاسخ حاکمیت مثل همیشه بجای ایجاد آرامش و مراقبت از شهروندانش چیزی جز سرکوب نبود، اذیت و آزار، بازداشت و زندانی کردن ده ها معلم، بوده چه آنانی که به عنوان نمایندگان معلمان در کانون های صنفی هستند چه کنشگران این عرصه!

هتک حرمت و ضرب و شتم شدید معلمین در رودسر که مسبوق به سابقه هم می باشد، به وضوح نشان داد که حاکمیت اعتراضات مسالمت آمیز و البته برحق معلم را بر نمی تابد و بجای چاره اندیشی برای حل مسئله، در صدد پاک کردن صورت مسئله است!

حادثه غمناک روز شنبه ۲۱ اسفند رودسر و برخوردهای سیستماتیک و تکراری با کنشگران فرهنگی نشان داد که جامعه معلمان و فرهنگیان، به دید تهدید نگریسته می شوند، معلمانی که سکاندار تعلیم و تربیت فرزندان این مرزوبوم و معماران فرهنگی وطنشان هستند. تکرار برخوردهای غیرمسئولانه، خشن نیروهای به ظاهر امنیتی با معلمان به ویژه بانوان معلم، همه را متأثر کرد و بی تردید موجب می شود روز به روز اعتماد به سیستم کم و کمتر شود، تکرار این برخوردهای کور و خلاف قانون اساسی کشور با فرهنگیان در اقصی نقاط کشور نشان دهنده بی تدبیری و بی برنامه بودن در اداره کشور است. کنشگران و کانون صنفی معلمان البرز ضمن محکومیت برخورد خلاف قانون و بی اخلاقی و ایجاد رعب و وحشت در بین فرهنگیان خواهان برخورد قانونی با این متجاوزان به حقوق شهروندی هستیم و آمرین و عاملین این هتک حرمت را نه فراموش می کنیم نه می بخشیم مگر اینکه بساط این بی عدالتی بر چیده شود. کنشگران و کانون صنفی البرز این رفتار عاقدانه را محکوم کرده و از مسئولین می خواهیم بجای سرکوب، قانون اساسی کشور را خودشان مطاع باشند.

### کنشگران فرهنگی و کانون صنفی البرز ۱۴۰۰/۱۳/۲۲

### بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت رفتار وحشیانه ی نیروهای امنیتی با معلمان در گیلان

به نام خداوند جان و خرد

نزدیک به یک سال است که جنبش معلمان با مرکزیت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، در راستای پیگیری مطالبات صنفی و اجتماعی خود با تکیه بر حمایت معلمان، خیابان را به تسخیر خود در آورده است و با مدنی ترین شکل ممکن، مطالبات خود را پیگیری می نماید.

با این همه و با وجود همه تلاشها در جهت مطالبه گری مسالمت آمیز، دولت و مجلس به عنوان نمایندگان حاکمیت، پاسخ مناسبی به این مطالبه گری نداده اند. علاوه بر این در طول یک سال گذشته حاکمیت به شکل های مختلف تلاش کرده است که با برخورد های امنیتی و سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز معلمان، مانع از تداوم این مطالبه گری شود.

حبس فعالین صنفی، صدور احکام ناعادلانه و تشکیل پرونده برای ده ها فعال صنفی در سراسر کشور از جمله این فشار های امنیتی بوده است که هیچ کدام نتوانسته است، خللی در عزم راسخ جنبش معلمان در مسیر مطالبه گری ایجاد کند.

در همین راستا متأسفانه امروز، نیروهای امنیتی، با ضرب و شتم شدید و هتک حرمت معلمان در رودسر، بویژه معلمان زن، چهره دیگری از استبداد سیاسی حاکم را نشان دادند. اتفاقات امروز بار دیگر نشان داد که شعارهای حاکمیتی در ستایش معلمان، نیرنگ و فریبی بیش نیست.

براستی همراهی آرام و مدنی معلمان با همکارانشان در این دادگاه های فرمایشی، کدام بخش از امنیت حاکمیت را به خطر می اندازد که پاسخش، چنین برخوردهای وحشیانه ای است؟!!

در همین راستا کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت برخورد وحشیانه نیروهای سرکوبگر و امنیتی با معلمان، بویژه معلمان زن و بازداشت تعدادی از همکاران در

رودسر، به حاکمیت هشدار می دهد که برانگیختن خشم فرهنگیان می تواند، عواقب سنگینی برای حاکمیت داشته باشد.

در پایان ما به عنوان یک تشکل صنفی و مدنی به حاکمان و نیروهای امنیتی اعلام می کنیم که حمایت معلمان، از همکاران دربند و همراهی مدنی با فعالان صنفی که با اتهامات واهی به دادگاه فراخوانده می شوند، یک وظیفه تشکیلاتی و همیشگی خواهد بود.

این مسیر ادامه خواهد داشت و برای شما بهتر است که این همراهی را به رسمیت بشناسید. چرا که هر هزینه ای که به ما تحمیل شود در مقابل حاکمیت هم هزینه ای پرداخت خواهد کرد.

## کانون صنفی معلمان ایران ( تهران )

۱۴۰۰/۱۲/۲۱

### گروه چالش صنفی معلمان ایران در محکومیت سرکوب و هتک حرمت معلمان توسط نیروهای سرکوب گر در رودسر

اعتراضی که شنیده نشود، فریاد می شود!

چندین سال است که معلمان ایران نسبت به ساختار تبعیض آمیز و عدالت گریز نظام آموزشی معترض می باشند و اعتراضات خود را به شیوه های گوناگون و منطبق با اصول قانونی از جمله قانون اساسی و حقوق مدنی و شهروندی نشان داده اند.

ولی پاسخی جز سرکوب، احضار ، تهدید و زندان دریافت نکرده اند و حاکمیت نشان داده گوش شنوایی برای شنیدن مطالبات قانونی معلمان ندارد، و به جای توجه و تمرکز بر وظایف حاکمیتی و دوری از بی عدالتی از وظایف خود در نظام آموزشی سر باز می زند و به عنوان نمونه پرونده سازی را جایگزین مدرسه سازی نموده است و...

در حالی که در هفته و روزهای اخیر موج گسترده ای از برخوردهای سرکوبگرانه همچون احضار و تهدید معلمان را شاهد بودیم روز شنبه ۲۱ اسفند، خشونت و سرکوب عریان تر از هر همیشه خود را نشان داد.

در حالیکه معلمان در حمایت از آقای عزیز قاسمزاده و اعتراض به پرونده سازی علیه ایشان در شهر رودسر برای تجمع مسالمت آمیز و کاملاً مدنی آماده می شدند ، اوایل صبح جلوی دادگاه ضمن ایجاد رعب و وحشت، برخورد اهانت آمیزی با خانواده ای ایشان داشتند. حتی به مادر پیر و سالخورده او رحم نکردند و او را با خشونت و فشار بسیار پرتاب کردند که هوشیاری یکی از همراهانش در نگه داشتن مادر قاسم زاده مانع از بروز یک فاجعه شد. و تاسف بارتر، برخورد خشن با معلمان تجمع کننده، بخصوص ضرب و شتم معلمان زن، روزی تاریک در احترام به معلم در کارنامه حکومت در تاریخ ثبت شد.

در همین راستا گروه چالش صنفی معلمان ایران ضمن محکومیت این حرکت بسیار شنیع نیروهای امنیتی و سرکوبگر با معلمان عهد و پیمان می بندد که این روزها را فراموش نخواهد کرد و خواستار محاکمه عاملان و دستور دهندگان آن هستیم. و تا رسیدن به هدف که همان اعتلای آموزش و پرورش و فرزندان ایران زمین هست از پای نخواهیم نشست.

و نسبت به حمایت از همکاران خود متعهد هستیم و خواهیم بود و هستیم بر آن عهد که بستیم.

گروه چالش صنفی معلمان ایران

بیانیه مشترک پیرامون محکومیت سرکوب معلمان در رودسر  
و در حمایت از تداوم جنبش معلمان و همچنین پیوند با معلمین زندانی!



در حالی که چند روز بیشتر به عید نوروز ۱۴۰۱ باقی نمانده است، حکومت پرداخت عیدی ناچیز اش به معلمان و همه زحمتکشان کشور را با سرکوب معلمان و مردم رودسر تکمیل کرد.

اگر دست حکومت در تن دادن به خواسته‌های کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار ستمدیده، همیشه بسته بوده و از حلقومشان جز وعده و وعیددروغین بیرون نیامده و نمی آید، اما در عوض در سرکوب و بگیر و ببند و توهین و تحقیر طبقات زحمتکش و فرودست اجتماع ید طولایی داشته و دارد.

سخن بر سر حمله و هجوم به مردم رودسر است که در دفاع از معلمینی که تحت پیگیری و بازجویی قرار گرفته اند، در خیابان معترض شدند.

مردمی از اقصا نقاط شهرهای استان گیلان و برای اعلام حمایت از همکارانشان که تحت پیگرد و بازجویی به دادگاه برده میشوند، به رود سر آمدند و با غیر انسانی ترین اعمال سرکوبگرانه مشتکی اوباش نقابدار اما بزدل حکومت و حکومتیان مواجه شدند، چنانکه دو نفر از کسانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند راهی بیمارستان شدند.

براستی اگر اعمال شما به عنوان ضابطین نظم و امنیت درست است و شرم آور نیست، پس چرا خود را در پشت نقاب سیاه پنهان میکنید؟

متأسفانه دادخواهی معلمان از قوه ای است که خود این "عدلیه" نمیخواهد پاسخگو باشد و تنها راه مانده درکف خیابانها و درمقابل مجلس و دادگاههای حاکمیت است.

ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن محکوم نمودن چنین اعمال سرکوبگرانه و ددمنشانه درحق معلمان مبارز و مردم حق شناسی که به حمایت از یاران خود در صحنه حضور می یابند، اعلام میداریم:

که بدانید، بیش از این از سرکوب و اعمال شنیع، درحق زحمتکشان و مردم ستمدیده، طرفی نمی بندید و حتی با این اعمال، خشم و کین سالیان متمادی ناشی از ستم و سرکوب را متراکم تر میکنید.

شما خود میدانید که در میان مردم توهمی از خدمتگذار بودن شما باقی نمانده است و گر نه چنین ذلیلانه خود را در پشت عوامل سرکوبگر پنهان نمی نمودید

این رفتار سرکوبگرانه حاکمیت عزم ما بازنشستگان راهم درحمایت و همبستگی با معلمان را استوارتر نموده و درحمایت کامل از خواسته های برحق معلمان پایدار خواهیم ماند

ما بازنشستگان، این سیاست وحشیانه و عمل شنیع نیروهای سرکوبگر را محکوم مینمائیم و حاکمیت بایستی از معلمان ازاده و فرهیخته در سراسر کشور عذر خواهی و طلب بخشش نموده و به احضارها خاتمه داده و همه زندانیان کارگر و معلم و ... را بدون قید و شرط فوراً آزاد نمایید.

**کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو... اتحاد، اتحاد**

**سرکوب پاسخ نیست**

**گروه بازنشستگان مستقل تهران**

**گروه اتحاد بازنشستگان**

**شورای بازنشستگان ایران**

**۲۳ اسفند ۱۴۰۰**

=====

**بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس**

**در اعتراض به سرکوب خشونت آمیز معلمان در شهرستان رودسر**

سبب گل سرخ یک گل نصرانی  
ما را ز سر بریده می ترسانی؟  
ما گر ز سر بریده می ترسیدیم  
در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

تجمع حمایتی از عزیز قاسم زاده امروز ۲۱ اسفند ماه ۱۴۰۰ در مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر با جو امنیتی شدیدی مواجه گردید و در آستانه سال نو قلب و روح فرهنگیان سراسر کشور را جریحه دار نمود.  
امروز معلمان شریفی که از تمامی شهرستانهای گیلان و سایر استانها برای حمایت آمده بودند با توهین و فحاشی ماموران روبرو شدند و توسط نیروهای یگان ویژه که با پوشاندن سر و صورت خود حتی شجاعت آشکار نمودن چهره های علم ستیزشان را نداشتند تعدادی به شدت آسیب دیده و تعدادی بازداشت شدند.

انجمن صنفی معلمان فارس ضمن محکوم کردن این برخوردهای خشونت آمیز اعلام می دارد که این رفتار شما با هیچ یک از موازین قانونی و حقوقی مطابقت ندارد و شما همچنان وقیحانه به نقض اصول قانون اساسی ادامه می دهید اما بدانید هر چه شدیدتر سرکوب مان کنید هر بار قوی تر و استوارتر از قبل مقابل تان قد علم می کنیم و به گفته عزیز قاسم زاده  
«نمی توانید با جو امنیتی و ارباب صدای معلم را خاموش کنید و ما را هراسی از شما نیست»

شمایی که امروز معلمان را در رودسر سران فتنه و برانداز خواندید و برای محاکمه یک معلم تمام شهر را به حالت نظامی و آماده باش در آوردید بدانید جنش معلمان ایران که ریشه در اراده آگاهانه و آمیخته با شجاعت و دلاوری فرهنگیان این مرز و بوم دارد قابل سرکوب نیست و این رفتارهای غیر قانونی و متوحشانه شما در حافظه فرهنگیان این مرز و بوم ثبت خواهد شد. جامعه فرهنگیان قطعا در پاسخ به این رفتارهای توهین آمیز شما سکوت نخواهد کرد همچنان که رفتار و برخورد منطقی ضابطین قضایی و نیروهای امنیتی شهرستان فرابند استان فارس را در رابطه با پرونده همکاران ارج می نهند لذا تمامی نیروهای امنیتی و قضایی را به پیروی از این گونه رفتارهای منطقی فرا می خواند.

در پایان خواهان اتمام این رفتارها و سرکوب ها و عذر خواهی نهادهای دستور دهنده به نیروهای خودسر به هتک حرمت، فحاشی و کتک کاری معلمان هستیم.

انجمن صنفی معلمان فارس

بیانیه هیأت موسس انجمن فرهنگیان هرسین  
دیروز مریوان ، امروز رودسر ، فردا ایران

نه « قلم » می شکند ، نه « قدم » می لرزد، چون معلم انتخاب کرده که « باشد » در هر کجا که تبعیض ، ستم و سرکوب سر بر آرد.

معلم جز « زنده گی » چیزی نیاموخته ، هر آنچه قدرت می پندارد سبب « نیستی » معلم میشود همان ، نزد معلم عین « هستی » است.

باردیگر قداره در برابر قلم شکست را پذیرفت همچنانکه زور در برابر دانش و بینش و صحنه نبرد رودسر زنده سر بود.

قدرت بداند و آگاه باشد آنچه معلم را نمونه جامعه ی مطالبه گر ایران کرده «استقامت» اوست ، معلم این رویه را با تمامی هستی خویش ادامه خواهد داد.

ما، همراه فرهنگیان سراسر ایران این برخورد اهانت آمیز و قهری را با معلم سرفراز، عزیز قاسم زاده خصوصاً معلمان فرهیخته و آزاده ای که ایشان را همراهی می کردند، محکوم می کنیم و امید داریم حاکمیت، من بعد عقلانیت لازم را در این گونه موارد بکار گیرد.

هیأت موسس انجمن فرهنگیان هرسین.

بیست و یکم اسفند هزار و چهار صد.

=====

### **بیانیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر در محکومیت رفتار ظالمانه نیروهای امنیتی با معلمان در رودسر**

به نام خداوند دانایی و توانایی ها  
قسم به قلم و نوشتن که یکی از اعجاز قرآن می دانند و امروز، روزی بود که بار دیگر قدرت این اعجاز بر همگان آشکار شد .

فضایی اینچنین امنیتی و به تعطیلی کشاندن یک شهر و یک دادگاه در رودسر برای محاکمه یک معلم قلم به دست، تنها و تنها نشان از قدرت اعجاز گر قلم و ناتوانی اصحاب قدرت در مقابل آن دارد.

عزیز قاسم زاده قاتل نبود که بترسید مبادا گلویی پاره کند و در شهر بچرخاند که اینگونه با نیروهای تان دورش حصار کشیدید!

گو اینکه عزیز معلمی ست برای پایان دادن به این فجایع انسانی.  
عزیز قاسم زاده رشوه خوار و اختلاس گر نبود که بهراسید مبادا سربازان تان را با پول اغوا کند...

شما از تنها دارایی عزیز قاسم زاده یعنی قلم آگاهی بخش معلم و نوشتار معلم ترسیدید که نتوانستید وحشت تان را پنهان کنید و اینگونه از خودتان آبرو بردید.

قطعاً رفتار امروز شما با معلم و جامعه فرهنگیان، از لحاظ قانونی، شرعی و عرفی، مردود و منفور است.

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

ضمن محکوم کردن برخورد شدید ماموران امنیتی در رودسر و به تشنج کشیدن تجمع آرام فرهنگیان در حمایت از عزیز قاسم زاده معلم و هنرمند فعال صنفی و بازداشت و ضرب و شتم تعدادی از همکاران آقا و خانم، اعتراض خود را اعلام و خواهان اعلام فراخوان تجمع سراسری در هفته پایانی اسفندماه در حمایت از معلمان زندانی و در انتظار حکم را داریم.

سراپا اگر زرد و پژمرده ایم

ولی دل به پاییز نسپردیم

...

اگر داغ دل بود، ما دیده ایم

اگر خون دل بود، ما خورده ایم

گواهی بخواهید، اینک گواه:  
همین زخم‌هایی که نشمرده ایم!

دلی سربلند و سری سر به زیر  
از این دست عمری به سر برده ایم  
قیصر امین پور

کانون صنفی معلمان استان بوشهر  
۱۴۰۰/۱۲/۲۱

**بیانیه‌ی انجمن صنفی معلمان کردستان/ سقز و زیویه  
در دفاع از عزیز قاسم‌زاده، و محکوم نمودن اقدامات اخیر شهرستان رودسر، و سرکوب  
خشن معلمان.**

اقدامات اخیر نیروهای سرکوب‌گر در رودسر گیلان، که با ضرب و جرح همکاران به ویژه همکاران خانم، همراه بود ذات و باطن اندیشه‌ی تمامیت‌خواهی و گفتمان به دور از عقلانیت، ادب و فراقانونی عده‌ای افراد منحرف نفوذی در دستگاه‌های امنیتی و انتظامی را بیش از پیش نمایان ساخت، و نشان از برداشته شدن صورتک نفاق و تمامیت‌خواهی طیفی در کشور می‌دهد، که با استفاده از مزدوران معلوم‌الحال بی‌مایه، در صدد بی‌حرمتی و محدود کردن هر چه بیشتر حقوق اقشار مختلف، به ویژه معلمان مطالبه‌گر، عدالت‌خواه و خواسته‌های به‌حق و قانونی ایشان هستند.

این در حالیست که عده‌ای تهی‌مغز، با توهم آتش به اختیاری، هر از گاهی لجام گسیخته دست به اقدامات فراقانونی و مضمّن‌کننده می‌زنند، اقدام ناشایست و تفکر خطرناکی که جز آسیب رساندن به اعتماد عمومی، ناامیدی از محوریت قانون و نظم در جامعه، و ترویج قانون شکنی ساختار مند، دستاوردی نداشته و نخواهد داشت.

در کشوری با این همه قدمت و سبقه و دارای قوانین کلی و جزئی، عنان امور را به آتش به اختیاران سپردن، دور از عقلانیت است و جایگاه حقوقی و عرفی ندارد و خطر اشاعه بی‌قانونی و بی‌اعتبارانگاری قوانین موجود را، به دنبال خواهد داشت، که سرانجام آن بحران مشروعیت حاکمیت قانونی و تزییق تفکر خطرناک آتش به اختیاری به بدنه‌ی جامعه است.

بدیهی است حکومت به جای این بدعت ناشایست، بایستی مر قانون را استمرار و توسعه بخشد، و با سرعت و بیش از هر زمان دیگری، حقوق فرهنگی، صنفی و قانونی معلمان، دانش آموزان و اقشار و اصناف گوناگون را که در قانون اساسی کشور به وضوح بیان شده است را، به رسمیت شناخته و از تحدید و تهدید حقوق ملت، دست بردارد و راه را بر جریان‌ها و افکار انحصارخواهانه، و آن‌هایی که اساساً اعتقادی به حقوق ملت ندارند، سد کند.

خوشبختانه مبدأ و نیات این حرکات، مذبحخانه مدت‌هاست که برای مردم ایران و به ویژه جامعه‌ی فرهنگی کشور، هویدا شده و این تلاش‌ها که به منظور سرکوب و سوءاستفاده از شرایط موجود کشور انجام می‌گیرد، هر بار با حضور آگاهانه، پرشور و موثر معلمان خنثی شده است.

این گونه حرکات، تلاشی مذبحخانه و غیر عقلانی در جهت سرکوب و به انحراف کشیدن خواست و اراده‌ی نهادهای مدنی، مردمی و قانونی است، که با اطمینان می‌توان گفت، با آگاهی

بیش از بیش تشکل های صنفی، مدنی و قانونمند، دارندگان این تفکر خطرناک، در تحقق این آرزو ناکام خواهند ماند.

انجمن صنفی معلمان کردستان / سقز و زیویه ضمن محکوم کردن و ابراز انزجار از این اعمال شنیع، جاهلانه و غیر اخلاقی از آحاد معلمان و جامعه فرهنگی می‌خواهد بیش از گذشته در جهت استیلا و دفاع از فرهنگ و حقوق خود همت گماشته و آن‌ها را پاس بدارند و تاکید دارد اگر عقلانیتی در زعامت و مدیریت کشور مانده است از این انحرافات و کج روی‌ها برگشته و در جای درست موقعیتی که به آنها تفویض شده، قرار گیرند.

همچنین از تمام مردم ایران درخواست دارد اجازه ندهند کسانی که نفوذ و قدرت آنان ماحصل این بی قانونی، استبداد و به حاشیه راندن اراده‌ی ملت برای اداره‌ی امور کشور است با این شیوه‌ی مدیریت ناکارآمد به اهداف فراقانونی خود برسند و برای تحقق این‌که در همه حال قانون فصل‌الخطاب همگان باشد، بیش از پیش تلاش کنند.

در پایان از دستگاه قضایی انتظار دارد با فوریت برای این هتک حرمت به معلمان، به خصوص خانواده‌ی عزیز قاسمزاده و این عمل شنیع و ناشایست، آمران و عاملان حادثه‌ی رودسر استان گیلان پرونده‌ی در دادگاهی علنی گشوده شود تا در انظار مردم و جامعه‌ی فرهنگی مورد رسیدگی واقع شود.

**انجمن صنفی معلمان کردستان / سقز و زیویه**

۱۴۰۰/۱۲/۲۳

=====

## **زخم دلفان ، بیداری این سرزمین**

قصه‌ی غصه‌ی دلفان چنان بر دل این دیار زخم خورده از استبداد و سرکوب، سنگینی می‌کند که تا مرز طوفانی ناگهانی به پیش رفته.

ترومای حاصل از این درد فرهنگ کش قاعدتاً در آینده‌ای نزدیک رخدادی خواهد ساخت به وسعت سرزمینی غم زده.

ارباب ستم بدانند نه «دلفان» به تاریخ پیوسته نه «رادا» ی دلفان.

قطره‌های خونی که از سر «رادا» بر زمین جهل زده‌ی خشونت ریخته شد ، قطعاً جوانه‌های اعتراض و عصیان را رویانده.

زنجیری که بر دست و پای این معلم خستگی ناپذیر زدید ، نشان از ترس معنا دار قدرت از جنبش برابری خواهانه‌ای در تاریخ ایران دارد که معلمان آن را ساخته و به پیش خواهند برد.

ما ایمان داریم، سرکوب «قادر به پرش از روی لاشه‌ی خود نخواهد بود».

ماکیاولی توصیه کرده بود: «آسیب‌ها باید با هم رسانده شوند ، تا مهلتی برای چشیدن مزه هاشان نباشد».

اما بدانید مزه ی آسیب دلفان و مریوان و شیراز و قزوین و کرج و اهواز و تهران و خراسان و رودسر ، معلمان را آگاهتر ساخته و با همبستگی و اراده ای خلل ناپذیر « چرت جزم گرای « شما را پاره خواهد کرد.

قلب « دلفان» شکسته اما اراده اش پولادین است.

هیأت موسس انجمن فرهنگیان هرسین

بیست و سوم اسفند هزار و چهار صد

=====

### **بیانیه ی انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته ی کرمانشاه در محکومیت بازداشت عزیز قاسم زاده**

به نام خداوند جان و خرد  
در پی احضار همکار مطالبه گر فرهنگی، جناب آقای قاسم زاده به دادگاه رودسر جمعی از همکاران فرهنگی تصمیم گرفتند در روز شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ ایشان را همراهی کنند. شوربختانه هنگامی که همکاران می خواستند در موعد مقرر در دادگاه حاضر شوند با محاصره خیابان توسط نیروهای امنیتی مواجه شدند.  
نیروهای امنیتی به عنوان حافظ جان و مال و ناموس مردم این بار با رفتار ناشایست و بدور از شأن انسانی، همکاران فرهنگی بی دفاع را مورد ضرب و شتم و هتک حرمت قرار داده به طوری که چند نفر از بانوان فرهنگی راهی بیمارستان شدند که قلم از وصف و بیان آن شرم دارد.  
انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه این گونه برخورد غیر انسانی و غیر اخلاقی با زحمتکشان فرهنگی را به شدت محکوم کرده و خواستار برخورد قضایی با افراد قانون شکن و خودسر می باشد،

و در پایان مطالبه گران شجاع سراسر کشور را به همدلی و اتحاد ناگسستنی دعوت نموده که تا رسیدن به تمامی مطالبات قانونی، راسخ و پایدار بمانیم.

**''انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه''**

**۲۲ اسفند ۱۴۰۰**

=====

### **بیانیه محکومیت کنشگران صنفی فرهنگیان مازندران نسبت به خشونت نیروهای حاکمیتی در تجمع فرهنگیان رودسر**

بار دیگر شاهد تحدی نیروهای امنیتی نسبت به محبوبترین قشر جامعه بودیم . این حرکت ضد انسانی و ضد مدنی نه تنها و هن به معلم بلکه و هن به کل جامعه است.

بعنوان قشری که وظیفه تربیت جامعه بر عهده اوست بار دیگر این رسالت عظیم را به رخ تان کشیده، پیشنهاد می کنیم به سرانجام این رفتارهای قهری بیاندهشید که حکومت ظلم پایدار نمی ماند. معلم الگوی فرزندان این مرز و بوم است با بی حرمتی به این جایگاه، افق آینده را تیره و تار نسازید، گرچه حال امروزمان را با تعصب های خود مدارانه بد کردید و به گستاخی، سوار بر اسب سرکش قدرت بر انسانیت می تازید.

اما آگاه باشید وهوشیار که در آینده نه چندان دور سیر زمان و قواعد حاکم بر ساختار جامعه مجابتان می‌کند که در مقابل انسانیت و مدنیت سر تسلیم و تعظیم فرود آورید. و سخن آخر و اتمام حجت، در صورت استمرار و ادامه حرکتهای نابخردانه و غیر انسانی از این دست، مطمئن باشید موج حق طلبی انسانهای آگاه شما را در خود غرق خواهد کرد که قدرت واقعی از آن مردم است.

**"ادمین های گروه های مطالبات صنفی فرهنگیان مازندران"**  
۲۲ اسفند ۱۴۰۰

=====

**بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس**  
**در اعتراض به سرکوب خشونت آمیز معلمان در شهرستان رودسر**

سیصد گل سرخ یک گل نصرانی  
ما را ز سر بریده می ترسانی؟  
ما گر ز سر بریده می ترسیدیم  
در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

تجمع حمایتی از عزیز قاسم زاده امروز ۲۱ اسفند ماه ۱۴۰۰ در مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر با جو امنیتی شدیدی مواجه گردید و در آستانه سال نو قلب و روح فرهنگیان سراسر کشور را جریحه دار نمود. امروز معلمان شریفی که از تمامی شهرستانهای گیلان و سایر استانها برای حمایت آمده بودند با توهین و فحاشی ماموران روبرو شدند و توسط نیروهای یگان ویژه که با پوشاندن سر و صورت خود حتی شجاعت آشکار نمودن چهره های علم ستیزشان را نداشتند تعدادی به شدت آسیب دیده و تعدادی بازداشت شدند.

انجمن صنفی معلمان فارس ضمن محکوم کردن این برخوردهای خشونت آمیز اعلام می دارد که این رفتار شما با هیچ یک از موازین قانونی و حقوقی مطابقت ندارد و شما همچنان وقیحانه به نقض اصول قانون اساسی ادامه می دهید اما بدانید هر چه شدیدتر سرکوب مان کنید هر بار قوی تر و استوارتر از قبل مقابل تان قد علم می کنیم و به گفته عزیز قاسم زاده «نمی توانید با جو امنیتی و ارباب صدای معلم را خاموش کنید و ما را هراسی از شما نیست»

شمایی که امروز معلمان را در رودسر سران فتنه و برانداز خواندید و برای محاکمه یک معلم تمام شهر را به حالت نظامی و آماده باش در آوردید بدانید جنش معلمان ایران که ریشه در اراده آگاهانه و آمیخته با شجاعت و دلاوری فرهنگیان این مرز و بوم دارد قابل سرکوب نیست و این رفتارهای غیر قانونی و متوحشانه شما در حافظه فرهنگیان این مرز و بوم ثبت خواهد شد. جامعه فرهنگیان قطعا در پاسخ به این رفتارهای توهین آمیز شما سکوت نخواهد کرد همچنان که رفتار و برخورد منطقی ضابطین قضایی و نیروهای امنیتی شهرستان فراشیند استان فارس را در رابطه با پرونده همکاران ارج می نهند لذا تمامی نیروهای امنیتی و قضایی را به پیروی از این گونه رفتارهای منطقی فرا می خواند.

در پایان خواهان اتمام این رفتارها و سرکوب ها و عذر خواهی نهادهای دستور دهنده به نیروهای خودسر به هتک حرمت، فحاشی و کتک کاری معلمان هستیم.

**انجمن صنفی معلمان فارس**

ای خزان های خزیده در عروق سبز باغ  
کین چنین سر سبزی ما پای کوبان شماسست!  
از تبار دیگریم و از بهار دیگریم  
می شویم آغاز از آنجایی که پایان شماسست!

اسفند بشارت بهاران است و آغاز رویش و پایان سکوت و سردی و سکون!

بسان زنبق نوروzy، خالص و پاک، سر بر آورده از این انجماد و فسردهگی فراگیر خواهیم  
خاست. و مردمان را نوید امید، و بهاران را مژده ی رُستن و رستاخیزی دوباره خواهیم بود.

شنبه ۲۱ اسفند ماه ۱۴۰۰ نقطه ی عطفی است در حافظه ی تاریخی جنبش صنفی معلمان  
ایران که برای همیشه ثبت و ضبط خواهد ماند!

رودسر سراسر امنیتی و در حالت فوق العاده قرار می گیرد. دادگستری شهر نیمه تعطیل می  
شود و انبوه نیروهای ویژه در مسیرها و میادین مستقر می گردند، آموزش و پرورش شهر در  
محاصره و شحنة های روی پوشیده در سیاهی با ارباب و هشدار "کور باش و دور باش"  
اصحاب علم و معرفت را مورد حمله و توهین و ضرب و شتم قرار می دهند. و در این  
گیر و دار وحشیانه محمود بهشتی لنگرودی نایب رئیس کانون صنفی معلمان به باد کتک  
گرفته می شود و دو تن از بانوان همکار راهی بیمارستان می گردند!

چرا؟!

چون عزیز قاسمزاده این معلم آزاده و آگاه به جرم فعالیت صنفی به اتهامات رایج و  
واهی نخ نما شده به دادگاه فراخوانده شده است و خانواده و همکاران در اقدامی کاملاً مدنی و  
آرام با هماهنگی و اطلاع قبلی قصد مشایعت و همراهی ایشان نموده اند. همین و دیگر هیچ!

بدین لحاظ انجمن صنفی فرهنگیان بیچار گروس با اظهار تأسف ضمن هشدار به آمران و  
عاملان این رفتار غیرمسئولانه که در تضاد آشکار با موازین و معیارهای حقوقی و مصرح  
در قانون اساسی می باشد، این رخداد نامتعارف را محکوم می نماید و اعلام می دارد:

اینگونه رفتارهای موحش کمترین تردید در ایمان راسخ معلمان به پیگیری مطالبات خود  
ایجاد نخواهد کرد و آنان را متحد و منسجم و مصمم تر از پیش خواهد نمود.

ضرب و شتم و پدیده ی غیرمنتظره ی سرکوب معلمان رودسر ثابت نمود که تمامی القاب و  
عناوین ستایش آمیز ظاهری مسئولان و مقامات از معلم، نیرنگ و فریبی بیش نیست!



حضور سازمان یافته ی نیروهای پوشیده ی ناشناس و خودسر در ضرب و جرح معلمان رودسر موجبات جریحه دار شدن اصحاب علم و ادب و فرهنگیان کشور شده است، کدام نهاد و ستاد امنیتی پاسخگوی این عمل زشت و شنیع خواهد بود؟!.

کانون صنفی فرهنگیان بیجار گروس مصرانه از وزیر آموزش و پرورش می خواهد که این بی حرمتی به ساحت معلم را در دستور کار اولین نشست هیئت دولت قرار داده و انتظار دارد که گزارش مؤثق این اجحاف ناروا را رسماً تسلیم رئیس جمهور نموده و نتیجه ی پیگیری را در رسانه های رسمی به افکار عمومی گزارش نماید.

کانون صنفی فرهنگیان بیجار خواهان به رسمیت شناختن اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و پایان دادن به احضارها، تهدیدها و بازداشت ها و احکام ناعادلانه ی قضایی معلمان می باشد.

کانون صنفی فرهنگیان بیجارگروس

یکشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۰

=====

## **بیانیه هیأت مؤسس انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آبادغرب**

به نام دادار دادگر

قلم ها خون گریستند هم‌نوا با داغ شقایق ها در کویر سرخ ایران.

بی گمان پنهان نخواهد شد، بیدادی که بر معلمان دادگر ایران سرفراز روا داشته شده است.

سرکوب و ارعاب وحشتناکی که بر همکاران فرهیخته مان در رودسر از جانب نیروهای امنیتی روا داشته شده، در ضمیر روشن مردمان فهیم سرزمین اسلامیمان حک شده، تا بدانیم و بفهمیم تفاوت بین خودی و بی خودی را.

ما معلمین شهرستان اسلام آباد غرب ضمن محکوم نمودن برخورد ناشایست با معلمین ارجمند رودسر، خواهان رفع اتهام از باز داشت شدگان و خواهان برخورد و رفتاری قانونمند و در شأن والای معلمین از جانب نهادهای امنیتی و حاکمیتی هستیم.

حرکت صنفی معلمان، کاملاً صنفی و قانونی بوده و شایسته برخوردی کاملاً عزتمندانه و در چهار چوب قانون می باشد.

۲۲ اسفند ۱۴۰۰

هیأت مؤسس انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب

=====